

تاپی (خط انتقال گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند)
اثرات آن بر امنیت و تحولات منطقه

تاپی (خط انتقال گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند)
اثرات آن بر امنیت و تحولات منطقه

بنیاد هاینریش بل

جاوید نورانی

اگست ۲۰۱۵

عنوان به انگلیسی:

TAPI: Impact on Security and Development of the Region

تاپی (خط انتقال گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند)

اثرات آن بر امنیت و تحولات منطقه

ناشر: بنیاد هاینریش بُل - افغانستان، اگست ۲۰۱۵

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۲۹۵۹۷۲

نشانی الکترونیکی: info@af.boell.org

وبسایت: www.af.boell.org

فیس بوک: www.facebook.com/hbs.Afghanistan

پژوهشگر: جاوید نورانی

ترجمه و ویرایش: اسدالله "شفای" - بنیاد هاینریش بُل - افغانستان

چاپ اول، © ۲۰۱۵، کابل - افغانستان

طراحی و چاپ: دهکده، چاپ کابل - افغانستان

تیراژ: ۵۰۰ جلد

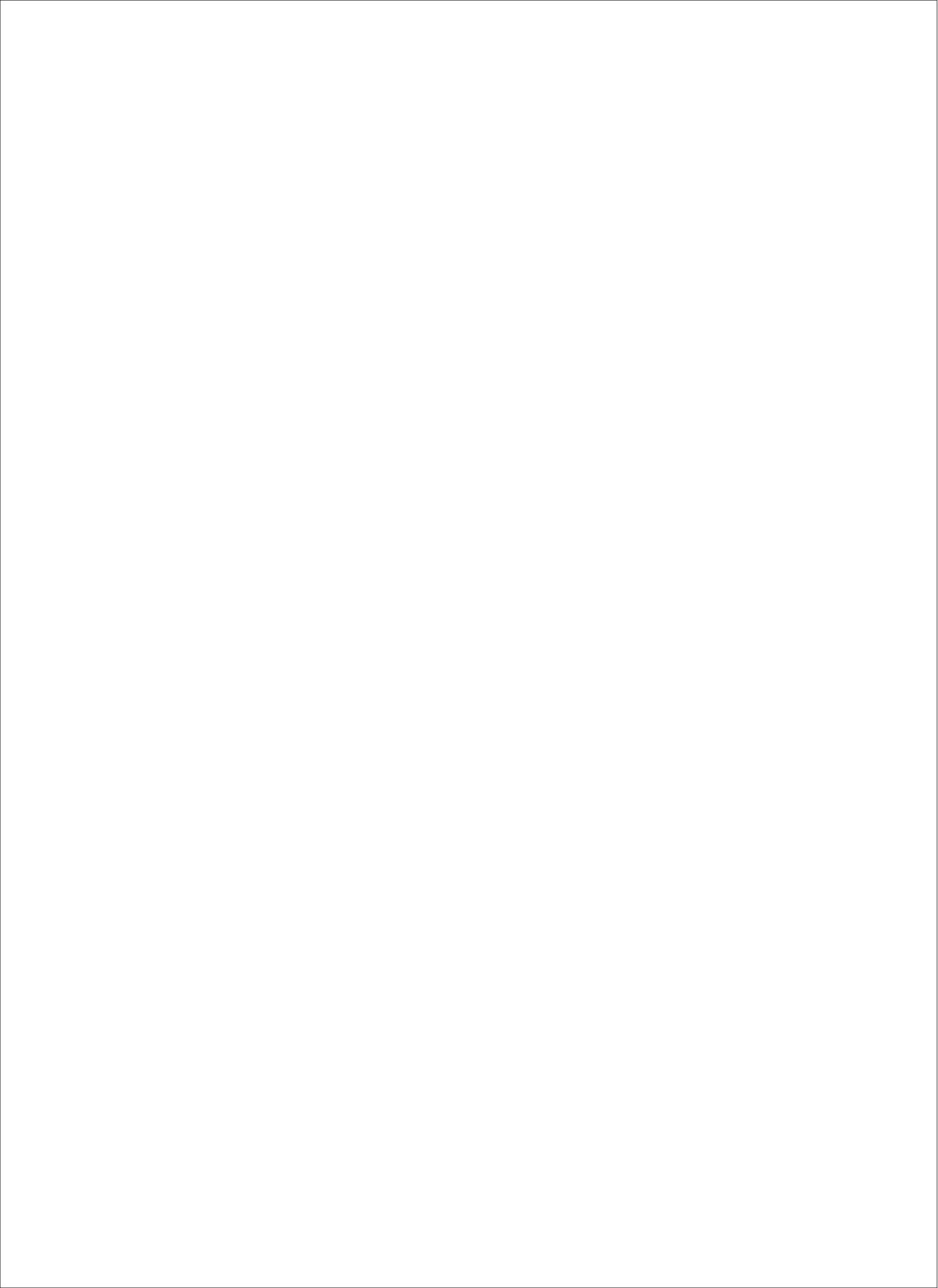
© بنیاد هاینریش بُل

کلیه حقوق این نشریه اعم از چاپ، تکثیر و نسخه برداری برای ناشر محفوظ است. اقتباس و استفاده از این نشریه با ذکر منبع مجاز است. برای کسب اجازه در موارد دیگر لطفاً با بنیاد هاینریش بُل از طریق شماره ۲۹۵ ۹۷۲ ۰۷۰۰ و یا از طریق نشانی الکترونیکی info@af.boell.org در تماس شوید.

این نشریه با حمایت مالی بنیاد هاینریش بُل در افغانستان منتشر شده است. مسولیت انتشار نشریه به عهده بنیاد هاینریش بُل و مسولیت محتوای مطالب به عهده نویسنده می باشد و به هیچ وجه نمی تواند بازتاب دیدگاه های بنیاد هاینریش بُل محسوب شود.

فهرست مندرجات

ه	چکیده گزارش
ز	متدولوژی و شیوه تحقیق
ح	توصیه ها
۱	مقدمه
۴	تاپی
۶	انرژی و اهمیت آن برای افغانستان و پاکستان
۶	نیازمندیهای انرژی افغانستان
۷	نیازمندیهای انرژی پاکستان
۱۴	شرح مختصری از ولایات
۱۵	ولایت هرات
۱۷	ولایت فراه
۱۹	ولایت هلمند
۲۱	ولایت قندهار
۲۴	ادامه مسیر پروژه تاپی به سمت پاکستان
۲۴	بلوچستان
۲۷	پنجاب
۳۰	فرصتهای ناشی از اجرای پروژه تاپی
۴۰	نقش همگرایانه تاپی
۴۳	تهدیدهای بالقوه همراه پروژه تاپی
۵۰	ارزیابی
۵۳	نتیجه

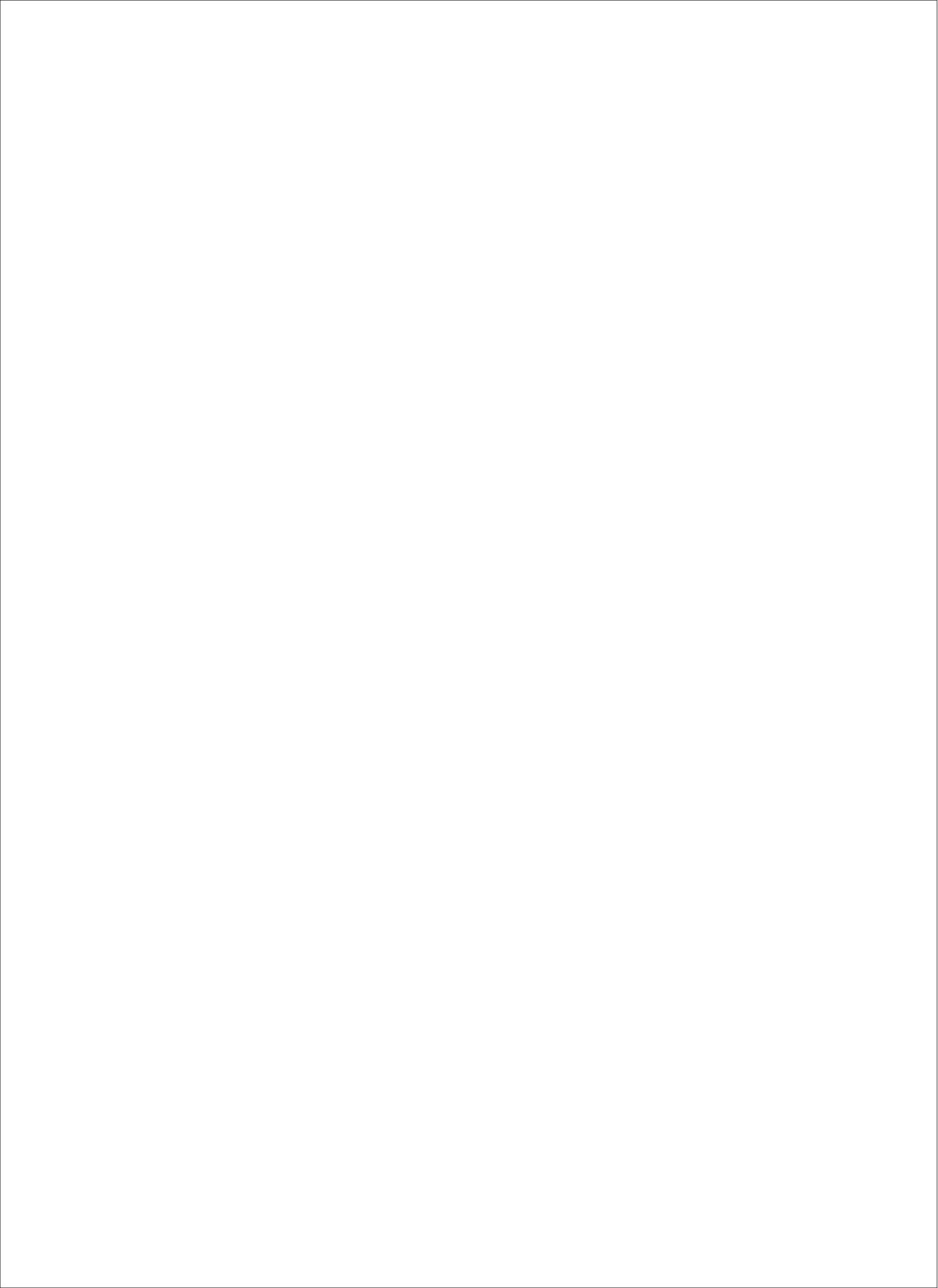


درباره نویسنده

جاوید نورانی دارنده مدرک فوق لیسانس یا ماستری در عرصه ارزیابی مناقشات و ترویج صلح از «مرکز صلح و حل اختلافات نلسون ماندلا» در دهلی نو است. پژوهشهای اولیه وی در زمینه معدن در افغانستان بوده که چندین مقاله از او در همین موضوع در نشریات بین المللی و داخلی منتشر شده است.

قدردانی:

نویسنده از بنیاد «هاینریش بل» در کابل برای تأمین مالی این پژوهش، از غفور لیوال، رادها کمار، اکرام سیگل و جلیل جمرانی به خاطر ارائه دیدگاههای شان درباره خط لوله تاپی، و همچنین از محمد مصطفی و سارا عقیف، دو دانشجویی که در انجام تحقیقات مورد نیاز برای این پژوهش یاری رساندند، عمیقاً سپاسگزار است. نویسنده همچنین سپاس ویژه ای از ماریون رگینا مولر، ضیاء مبلغ، نیلاب حکیم و نشاط کاظمی دارد که طی دوران تحقیق و بازبینی این گزارش وی را مساعدت کرده اند.



چکیده گزارش:

پژوهش حاضر بر امنیت و اثرات ایجاد خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند، و به اختصار «تاپی» [برگرفته از نام اول این کشورها به انگلیسی]، تمرکز دارد؛ خط لوله‌ای که یکی از بلندپروازانه‌ترین پروژه‌های زیرساختاری در افغانستان و از سالها پیش مورد بحث بوده است. عواملی نظیر شرکتهای بزرگ و بین‌المللی انرژی، ژئوپلیتیک یا شرایط سیاسی-جغرافیایی و همچنین بازیگران منطقه‌ای هر کدام به نوبه خود بر این بحث اثرگذار بوده‌اند. این پروژه در معرض رقابتهای شدید بازیگران منطقه‌ای قرار داشته و همین امر ممکن است در آینده نیز در طی دوران ساخت و فعالیت این پروژه نیز سایه افکند. نیاز روزافزون کشورهای منطقه به انرژی، تمایلات به اجرای این پروژه را جان داده است. افغانستان، پاکستان و هند به منظور تأمین رشد اقتصادی و توسعه خود همه نیازمند عرضه انرژی به صورت مداوم و پیگیر هستند. این کشورها وابسته به تأمین انرژی از خارج از مرزهای خود هستند.

مسیر کنونی خط لوله گاز تاپی از یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط جهان می‌گذرد. با این وصف، چالشهایی از سوی بازیگرانی چندگانه در سطوح مختلف وجود دارد که شرکتهای عظیم و بین‌المللی انرژی، بازیگران منطقه‌ای و مسایل بلافصل منطقه در رأس آنها قرار دارند. در هر کدام از کشورهای دخیل نیز چالشهای داخلی وجود دارند. با این وجود، خط لوله تاپی ممکن است فرصتهایی را فراهم کند که زیر سایه آن همگرایی و هماهنگی بیشتری در میان کشورهای دخیل شکل بگیرد.

پژوهش حاضر ویژگیهای مختصری را از ولایاتی در افغانستان و همچنین ایالتهای بلوچستان و پنجاب پاکستان که در اثر اجرای این پروژه متأثر می‌شوند، ارائه می‌دهد. اکثریت این مناطق از نظر توسعه و انکشاف وضعیت بسیار نامساعدی دارند و مناقشات عامل منحصر به فردی شناخته شده که مانع توسعه این ولایات در گذشته شده است. بی‌ثباتی در برخی از این ولایات ریشه‌ای تاریخی داشته است. پتانسیل و توانایی بالقوه‌ی هر کدام از ولایات در تحقیق حاضر برجسته شده تا اطلاعاتی را برای سیاست‌گذاران به منظور طرح برنامه‌های درازمدت به منظور همگرایی اقتصادی این بخشها از طریق ایجاد زیرساختارها و سرمایه‌گذاری بهتر فراهم سازد. ناامنی در هر ولایت تهدیدی بالقوه برای این خط لوله از ناحیه منابع داخلی توصیف شده است.

ظرفیتهای صنعتی موجود پنجاب عاملی خوانده شده که ممکن است اثرات عمده‌ای بر سیاست توزیع گاز در این ایالت پاکستان به همراه داشته باشد.

اجرای پروژه خط لوله گاز تاپی ممکن است فرصتهای متعددی را به همراه آورد. منافع بالقوه این خط لوله اقتصادی، توسعه‌ای و انکشافی و همچنین امنیتی خواهد بود. این پروژه ممکن است فرصتهایی را در عرصه توسعه، ساخت و ساز،

برق، صنعتی‌شدن و امور زیرساختاری ایجاد کند. پروژه تاپی شاید از بسیاری طرق باعث همگرایی در منطقه شود و به این ترتیب منابع ارزشمند زیادی را برای انکشاف منطقه فراهم سازد و جنوب آسیا را به مرکز عمده تجارت و بازرگانی بدل کند. مذاکرات دوجانبه بین هند و پاکستان به منظور هموار کردن راه برای اجرای این پروژه یک ضرورت فوری است.

اگرچه بحث مرغ و تخم مرغ بر سر محور توسعه و امنیت پایانی ندارد و همچنان جدال آفرین است، اما امنیت برای اجرای پروژه تاپی با در نظر داشت مناقشات خشن جاری در افغانستان یکی از مهمترین مسایلی است که در تسهیل ساخت و بقای این پروژه دخیل است. امنیت در تسهیل طرحها و پروژه‌های انکشافی برای شهروندان یاری می‌رساند. این امر ممکن است تغییرات مثبتی را در وضعیت امنیتی مراکز شهری نیز در قبال داشته باشد. گفتگوهای دوجانبه و یا چندجانبه که برای این پروژه یک ضرورت به حساب می‌آید، ممکن است باعث انعطاف در مواضع خصمانه کشورهای دخیل شود و به این ترتیب فضای بیشتری برای تعامل و همکاری فراهم کند. این امر احتمال دارد زمینه مناسباتی مبتنی بر تفاهم و عمل متقابل را میان هند، پاکستان و افغانستان، که مدتها روابط دشواری با هم داشته‌اند، ایجاد کند.

توسعه زیرساختارها با هدف استفاده از آنها در مقیاس وسیع در عین حال ممکن است اثراتی منفی معینی نیز در بر داشته باشد. اعمال پروژه تاپی ممکن است مستلزم تصاحب زمینهایی باشد که باعث انتقال و بیجاشدن برخی از جمعیت شود. این پروژه همچنین ممکن است برخی از جوامع محلی را از هم جدا سازد و دسترسی به زمین و آب را برای برخی مردمان محلی دشوار سازد. برخی از اثرات منفی محیط زیستی نظیر جنگل‌زدایی، تهدید تنوع محیط زیستی، تغییر جریان آب و بیجاشدگی گونه‌های در معرض خطر پرندگان و حیوانات را نیز نباید از نظر دور داشت.

در عین حال ممکن است این خط لوله از سوی خرابکارانی که به دستور عاملان خارجی و یا با اتکا به ایدئولوژی و دیدگاه خاص خود عمل می‌کنند نیز در معرض تهدیدات فیزیکی جدی قرار گیرد.

با این حال، نیروهای طرفدار این پروژه نیرومندتر از مخالفان آن هستند. مناقشه هند-پاکستان بر سر آب و سرزمین اثرات عمده‌ای بر جغرافیای سیاسی منطقه داشته و مانع از توسعه نواحی استراتژیک خاصی شده است.¹ نگرانیهای پاکستان نسبت به افغانستان و تلاشش برای روی کار آوردن یک حکومت مطیع در این کشور عواملی است که ممکن است اجرای پروژه تاپی را با موانعی روبرو سازد. باین وصف، پاکستان نیاز فوری به انرژی دارد و بنابراین انگیزه بیشتری دارد تا با کشورهایی مانند هند و افغانستان برای ساخت این خط لوله همکاری کند. تمام کشورهای دخیل نیازی جدی دارند تا برای امنیت و تأمین مالی این پروژه مشترکاً کار کنند. خط لوله تاپی آنچه را که به شکل روزافزونی به نوعی نیاز استراتژیک تبدیل می‌شود، برای هند، پاکستان و افغانستان به ارمغان می‌آورد. باین وجود، تأمین بودجه تاپی که میزان

¹ <http://www.insightonconflict.org/2012/01/india-pakistan-saarc>

آن حدود ده میلیارد دالر امریکایی تخمین زده شده، کاری دشوار است، چرا که مخاطرات اجرای چنین پروژه‌ای در این منطقه بسیار بالاست و برای بانکها مسئله امنیت و امکان بازپرداخت قروض در تصمیم‌گیری‌شان در این مورد اهمیت بسزایی دارد.

متدولوژی و شیوه کار

بحث بر سر خط لوله تاپی همچنان ادامه دارد و در فقدان طرحی مشخص برای نحوه اجرای آن، عملی شدن این پروژه و مطالعه ارزیابی اثرات آن مستلزم بررسی مواردی مشابه در مناطق دیگر است تا فهم برخی از اثرات آن در سایه نگاه به ولایات مسیر این خط لوله مقدور شود.

نویسنده در نظر داشته که در این پژوهش، بررسی‌های پروژه‌های مشابه در دیگر جاها مطالعه و اطلاعات موجود درباره ولایات هرات، فراه، هلمند و قندهار در افغانستان و همچنین ایالات بلوچستان و پنجاب در پاکستان مرور شود.

نویسنده بسیاری از گزارش‌های موجود درباره تاپی و جغرافیای مسیر این خط لوله را مطالعه کرده است. به دنبال مطالعات کتابخانه‌ای مصاحبه‌هایی با گروهی از افراد منتخب صورت گرفته است. مصاحبه‌ها همه به شکل غیرساختار بندی (که در آن پرسشها از قبل تنظیم نمی‌شود) انجام شده و سوالات روی مسئله امنیت و توسعه متمرکز بوده است. از شیوه نمونه-گیری عدم احتمال مانند روش سهمیه‌ای و یا سنوبال که در آنها گزینش تصادفی افراد صورت نمی‌گیرد، برای انجام ۱۵ مصاحبه با کارشناسان ارشد مسایل توسعه و امنیت منطقه در افغانستان، پاکستان و هند استفاده شده و دیدگاه‌های آنان درباره خط لوله تاپی و این که چگونه بتوان این کشورها را ظرف یک دوره دو ماهه در کنار هم گردآورد، بررسی شده است. با افراد مطلع کلیدی در بخش گاز نیز مصاحبه‌هایی انجام شده است.

محدودیت‌ها

تلاشهایی برای تماس با بانک انکشاف آسیایی که حامی اصلی این پروژه به شمار می‌رود، صورت گرفته اما مسئولان بانک به تقاضای ملاقات پاسخ منفی دادند. کارشناسان امنیتی و نهادهای دولتی افغانستان مانند مقامات وزارت خارجه به پرسشها پاسخ ندادند. این گفتگوها می‌توانست به حجم اطلاعات ما درباره این پروژه و چالشهای پیش روی آن بیفزاید.

اطلاعات کسب شده از مصاحبه‌ها کنار هم قرار داده شده و شیوه‌هایی مورد استفاده قرار گرفته تا نتیجه‌گیری پایدار و دقیق‌تری از اطلاعات اولیه و ثانویه حاصل مطالعه این پروژه به دست آید. دورنمای بدیل، برنامه‌های موجود و مناسبات دوجانبه مورد بررسی قرار گرفت تا تحلیل موضوع و ارائه توصیه‌ها در این باره از پشتوانه لازم برخوردار باشد.

توصیه‌ها

توصیه‌هایی برای حکومت‌های افغانستان، پاکستان و هند:

- (۱) امنیت تأمین انرژی به محوری برای گفتمان امنیت ملی تبدیل شده و تاپی یک پروژه انرژی فراملی خواهد بود و برای اجرای آن ضرورت دارد تا کشورهای منطقه وارد گفتگوهای امنیتی منطقه‌ای شوند و منافع ملی و همچنین منافع جمعی خود را از طریق آن تأمین کنند. یکی از راه‌ها این است که آنها مشترک طرح‌هایی را برای امنیت و اجرای پروژه بریزند و سپس در مورد آموزش و بکارگیری نیروی پلیس با یکدیگر همکاری کنند.
- (۲) هند و پاکستان باید برای موفقیت پروژه تاپی وارد تعامل عمیق‌تر در سطوح بالا شوند و به منظور موفقیت اجرای این پروژه موانع را از سر راه بردارند. شاید ضرورت داشته باشد که دولتمردان از طریق همگرایی راه حل جستجو کنند و تاپی را پروژه‌ای بنگرند که می‌تواند فرصت مناسبی را در این رابطه فراهم سازد. در همین رابطه تجارت و تبادل فرهنگی برای اعتمادسازی و ایجاد محیط تفاهم میان جوانب متخاصم مؤثر بوده است.
- (۳) ضرورت دارد تا یک کمیته کاری متشکل از نمایندگان ارشد حکومت‌های دخیل به صورت فوری ایجاد شود تا نگرانی‌های موجود و آینده را راجع به اجرای این پروژه به صورت منظم و زمان‌بندی‌شده برطرف سازد. به عنوان مثال، تمام موانع اجرای پروژه باید مورد رسیدگی قرار گیرد و این کمیته باید سریعاً در این مسیر قدم بردارد.
- (۴) تمامی کشورهای دخیل باید باهم کار کنند تا به صورت مشترک مکانیسم امنیتی و نظارت بر امنیت خط لوله را تنظیم کنند. نیروی امنیتی ایجاد شده باید درباره مسایل حقوق بشری حساس باشند. این پروژه باید توسط نیروهایی که برای این نوع امور آموزش دیده‌اند، محافظت شود.
- (۵) هر کشور دخیل باید همچنین ارزیابی مفصلی از تهدیدها و فرصت‌های موجود در هر ولایت واقع در مسیر خط لوله را انجام داده و سرمایه‌گذاری خصوصی را در این زمینه تشویق کنند. به عنوان مثال، ولایات افغانستان از منابع طبیعی و پتانسیل زراعت و کشاورزی برخوردارند؛ و سرمایه‌گذاری باید در چنین ولایاتی تسهیل شود. بلوچستان پتانسیل عظیمی به عنوان مسیر تجارت ترانزیت دارد و این امر می‌تواند نقش یک اهرم را برای توسعه و همگرایی، هم در سطح ملی و هم در عرصه منطقه‌ای، داشته باشد. این امر می‌تواند باعث ایجاد شبکه جاده‌ها، تأمین ارتباط و دسترسی به افراد و محصولات شود.
- (۶) کشورهای مربوطه باید جامعه مدنی را در این روند طی مراحل عملیات و اجرای پروژه دخیل سازند تا آنان از منافع اجتماع نمایندگی و از آن محافظت کنند و به این ترتیب از اثرات منفی اجتماعی و محیط زیستی

جلوگیری شود. به عنوان مثال، تلاش برای اطلاع از دیدگاه‌های جامعه مدنی درباره اثرات اجتماعی و محیط زیستی این پروژه و یافتن راه‌های کاهش اثرات منفی آن یک ضرورت است؛ این که چگونه بتوان بر روند مشوره‌دهی نظارت کرد و به جبران خسارت مردمان متأثر از این پروژه اقدام ورزید. جامعه مدنی همچنین می‌تواند نقش یک شریک حکومت را در زمینه ایجاد ظرفیت در میان مردمان محلی برای برخورداری از فرصت‌های ناشی از این پروژه بازی کند.

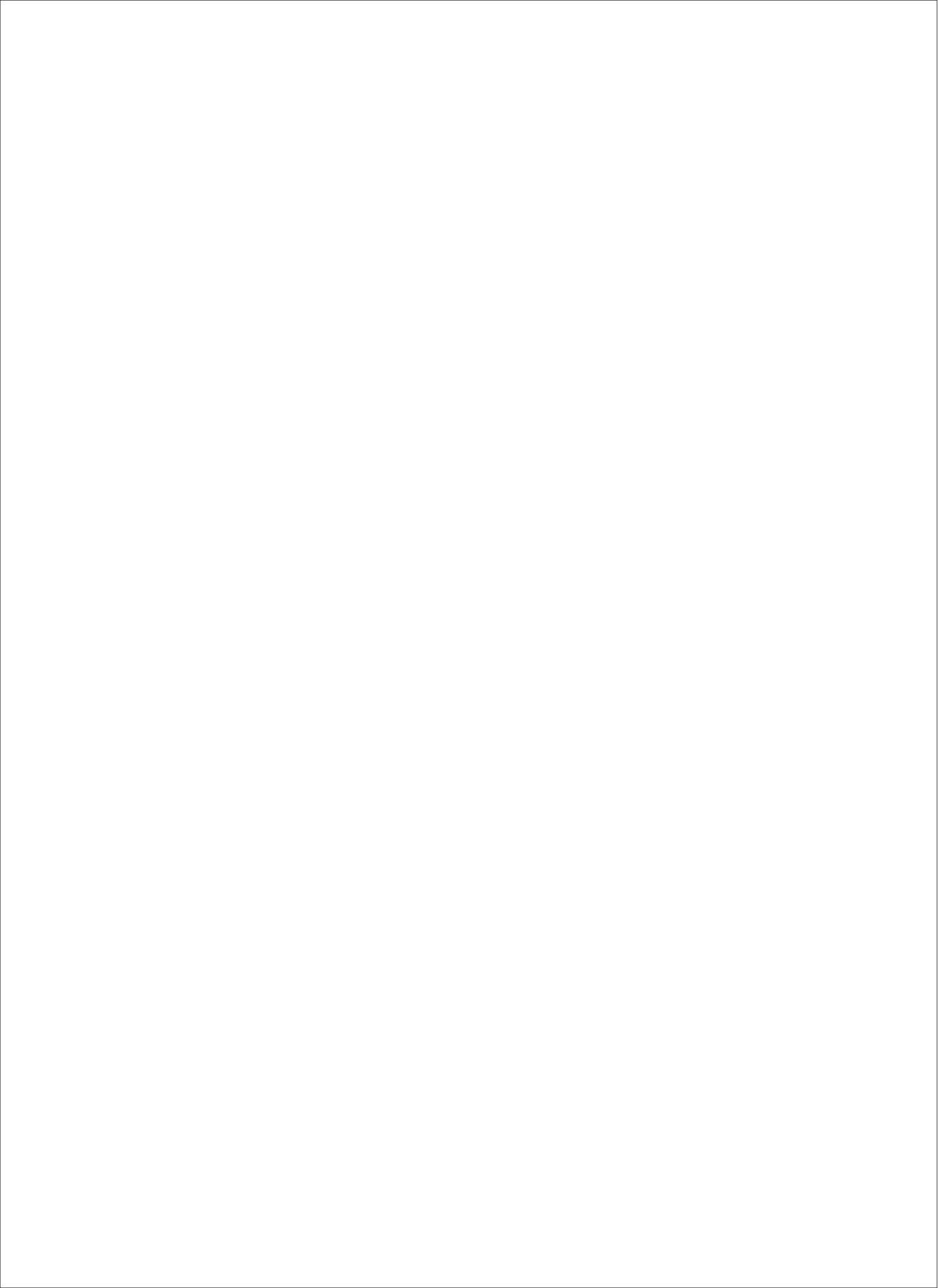
۷) کشورهای دخیل باید در سطوح بالای مسئولین امنیتی پروژه با هم به تعامل و مبادله اطلاعات و پیشنهادات بپردازند؛ و در عین حال توصیه‌های آنها باید به شکل جدی مورد توجه قرار گرفته و پاسخ مقتضی به آنها داده شود.

۸) مسئولان امنیتی محلی در هریک از کشورهای مربوطه باید با جوامع محلی در تعامل باشند، آگاهی آنها را در مورد پروژه افزایش دهند، به ارائه اطلاعات در این مورد بپردازند، اثرات بالقوه پروژه و فرصت‌های ناشی از آن را برای مردمان محل گوشزد کنند و زمینه تصحیح اشتباهات و طرح پیشنهادات را از طریق گفتگو فراهم سازند.

۹) ارزیابی اثرات اجتماعی و محیط زیستی این پروژه باید با دقت و منطبق با معیارهای قابل قبول بین المللی انجام شود تا اساسی برای مشوره مناسب با جوامع واقع در نزدیکی مسیر خط لوله و یا متأثر از آن فراهم گردد؛ به گونه‌ای که آنان احساس امنیت و خاطرجمعی کنند و در سایه موفقیت این پروژه آینده بهتری را انتظار داشته باشند.

۱۰) کشورهای دخیل در هماهنگی با حامیان مالی بین المللی در راستای مطالعات جنبه عملی پروژه تاپی، ارزیابی اثرات محیط زیستی و اجتماعی و همچنین جنبه امنیتی محلی آن باید پروژه‌های فراگیری برای مردم محل به منظور ایجاد ارتباط و همگرایی بین منافع آنها و موفقیت این پروژه طراحی کنند. این اقدام امنیت پروژه تاپی را افزایش خواهد داد.

۱۱) مردم باید در جریان نقشه و طرح نهایی خط لوله گاز تاپی قرار داده شوند تا نه تنها جریان قضیه را درک کنند بلکه همچنین اندازه‌گیری اثرات ناحیه‌ای آن و طراحی برنامه‌ای مطابق با معیارهای پذیرفته شده بین المللی برای جبران خسارت جوامع متأثر از این پروژه تسهیل گردد.



مقدمه

خط لوله گاز ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند خط لوله‌ای است که هدف از ساخت آن براساس توافقات کنونی انتقال گاز به افغانستان، پاکستان و هند است. **تمرکز پژوهش حاضر روی افغانستان و پاکستان است تا اثرات آن بر امنیت و انکشاف دو کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.** در این پژوهش مسایل دوجانبه بین هند و پاکستان مورد توجه قرار داده می‌شود و اثرات معکوس آن بر پروژه نیز به طور خلاصه بررسی می‌شود. مسئله هند نیز، اما نه با تفصیلی که امنیت و توسعه ولایات همجوار به بحث گرفته می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

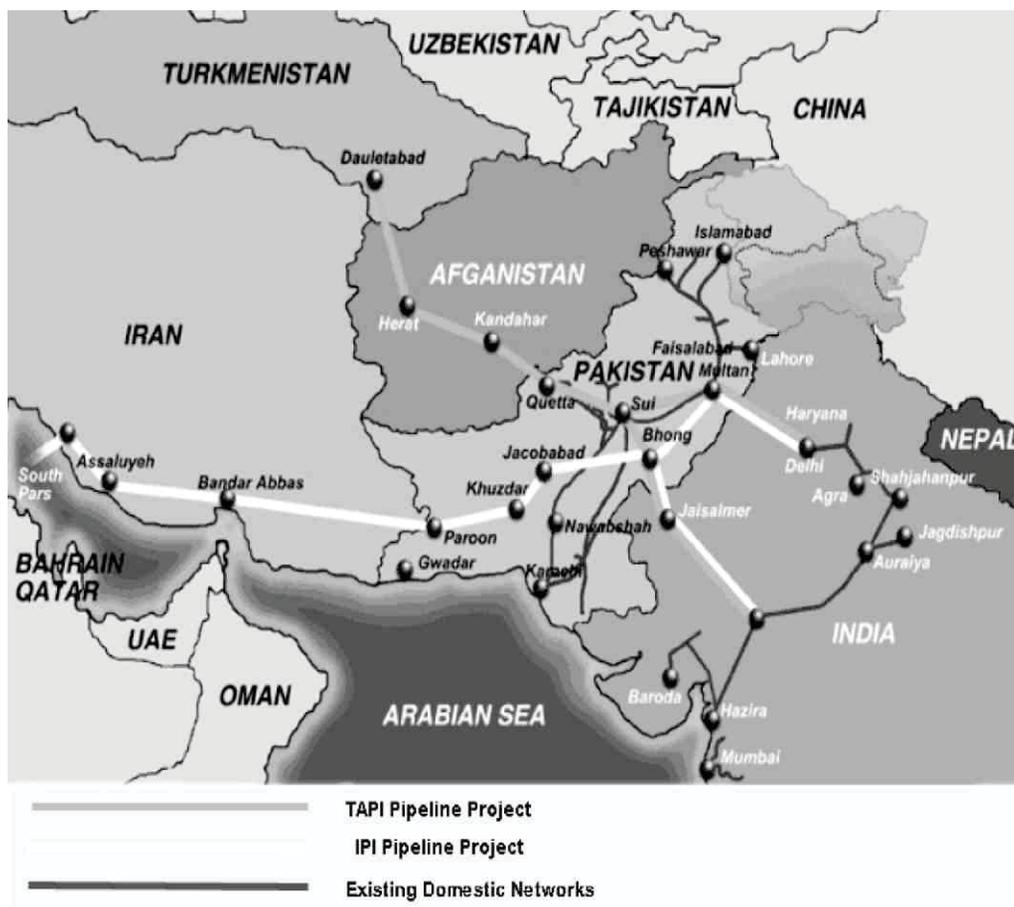
موضوع انرژی در قرون بیستم و بیست و یکم در محور مرکزی سیاست و اقتصاد جهان قرار داشته است. اقتصاد کشورها به ویژه در ممالک در حال انکشاف عمدتاً متکی بر نفت و گاز بوده تا به رشد و توسعه آنها جان داده شود. نفت و گاز همچنان نقش سوخت را برای اقتصاد کشورها و در تسریع رشد آنها بازی کرده و در سطح جهانی همچنان از اهمیت استراتژیک برخوردار بوده است.

خط لوله گاز تاپی (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند) نقطه تمرکز بررسی حاضر است. این خط لوله براساس طرح‌های موجود^۲ از قسمت هرات وارد افغانستان می‌شود و از طریق ولایات فراه، هلمند و قندهار به سمت بلوچستان و مولتان در ایالت پنجاب پاکستان امتداد یافته و در نهایت به ناحیه فازیلیکا در هند وصل می‌شود. از مجموع ۱۶۸۰ کیلومتر طول این خط لوله، ۱۴۴ کیلومتر آن در ترکمنستان، ۷۳۵ کیلومتر در افغانستان و ۸۰۰ کیلومتر در خاک پاکستان قرار داشته و ادامه آن به مرز هند می‌رسد. از مجموع ۹۰ میلیون متر مکعب در روز گازی که از طریق این خط لوله پمپ می‌شود، کشورهای هند و پاکستان هرکدام ۳۸ واحد و افغانستان ۱۴ واحد آن به دست می‌آورند.^۳

^۲ mapelveiculos.com.br/adm/tapi-pipeline-map dated August 21th 2014

^۳ Maini and Veid, Observer Foundation of India, 2013, Roadblocks remain to TAPI pipeline construction, April 4th 2013

شکل (۱)



منبع: این نقشه از منبع زیر گرفته شده است: <http://mapelveiculos.com.br/adm/tapi-pipeline-map> dated August 21th 2014

خط لوله تاپی فرزند «نیاز» اقتصادهای رو به رشد کشورهای منطقه به انرژی به حساب می‌آید. این پروژه همزمان فرصتهایی برای همگرایی نمادین کشورهای منطقه در اختیار آنها قرار می‌دهد. نیاز به انرژی و تلاش برای توسعه اقتصادی عمدتاً وضعیت و معادله سیاسی منطقه، مناسبات بین المللی و همچنین طرح سیاستها برای تخصیص منابع را در درون چنین فضای استراتژیک شکل داده و یا تغییر شکل می‌دهد. پروژه تاپی برداشتن قدمی اساسی در راستای تلاشهای موجود برای اعتمادسازی بین هند و پاکستان است، به گونه‌ای که پاکستان امنیت خط لوله را از طریق قلمرو خود تضمین کند. پاکستان پیش از این وضعیت تجارت با هند را به گونه‌ای که مورد علاقه بوده درآورده و دو کشور مرز واگه را به روی ترافیک جاده‌ای گشوده‌اند.^۴

^۴ Op-cit Maini and Veid, Observer Foundation of India, 2013

اجرای پروژه تاپی می‌تواند نخستین قدم در راه احیای جاده ابریشم باشد. امید می‌رود برداشتن این قدم به ترویج صلح در منطقه کمک کند و به همکاری منطقه‌ای در بخش انرژی میان هند، پاکستان، افغانستان و ترکمنستان شکل تازه‌ای بدهد. پوشش رسانه‌ای توافقات چندجانبه را می‌توان نشانه‌ای از این موضوع دانست: «روز چهارشنبه یک توافق تاریخی معامله گاز به ارزش ۷.۶ میلیارد دلار بین ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند (تاپی)، که اغلب خط لوله صلح عنوان می‌شود، به امضا رسید.»^۵

خط لوله تاپی از مسیر خود از خاک افغانستان از برخی از آسیب‌پذیرترین نواحی و گذرگاه‌های این کشور عبور می‌کند. این خط لوله حمایت‌های بین‌المللی زیادی را به همراه داشته و کشورهای متعددی به شمول قدرتهای مالی عمده در آن دخیل بوده‌اند و از این رو، اجرای آن در درازمدت می‌تواند وضعیت و معادله موجود را به میزان قابل توجهی تغییر دهد.

خط آبی در نقشه مسیر خط لوله گاز تاپی را که از چهار کشور عبور می‌کند، نشان می‌دهد.

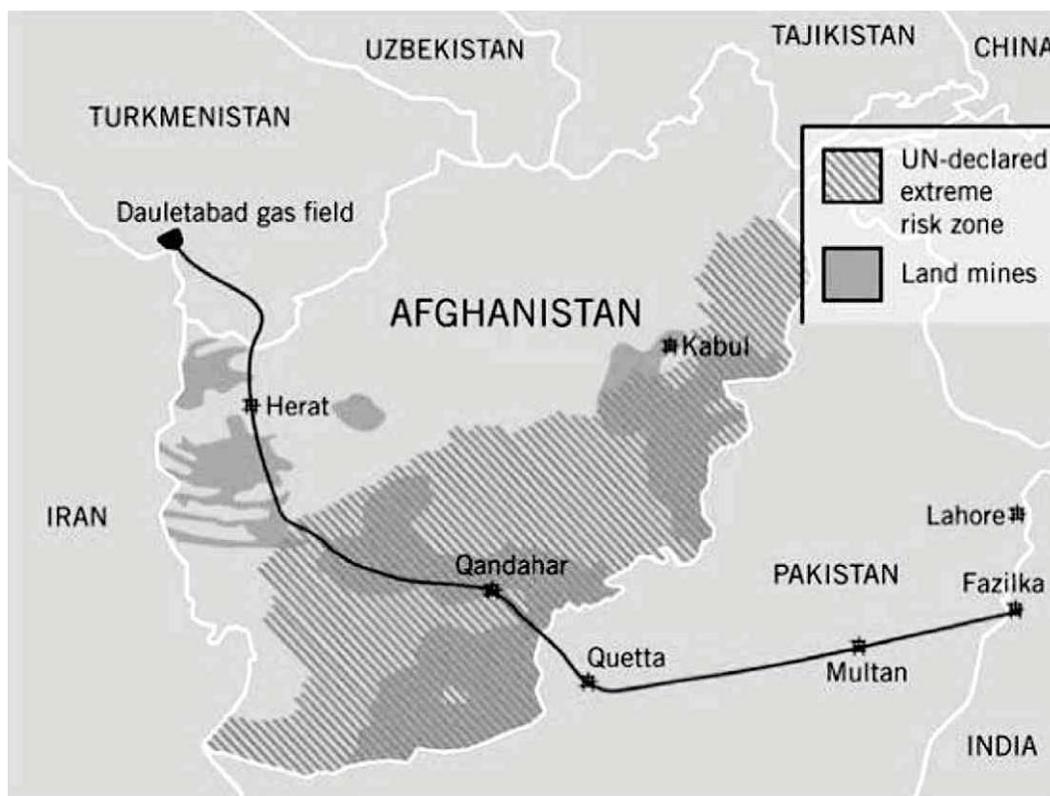
این پروژه ممکن است فرصتی برای آوردن صلح به منطقه‌ای باشد که سالهاست درگیر منازعه و کشمکش بوده است؛ بویژه در شرایطی که کشورهای دخیل به دلیل کمبود منابع انرژی و فقدان جایگزین کم‌هزینه برای آن با معضلات اقتصادی روبرویند. انجام این پژوهش مستلزم شناخت ولایات واقع در مسیر این خط لوله در دو کشور، بررسی مناقشات موجود، پتانسیل منازعه و فرصتهای ناشی از اجرای این پروژه است. این پژوهش همچنین به بررسی این موضوع خواهد پرداخت که چگونه توسعه و انکشاف می‌تواند امنیت را برای بخشی از منطقه که در منازعات درونی و فرامزی طولانی گرفتار بوده، به ارمغان آورد. منطقه‌ای که در آن اهداف و جاه‌طلبیهای سیاسی-جغرافیایی اغلب به مسئله‌ای محوری برای تشخیص منازعات تبدیل شده است. پژوهش حاضر ترکیبی از شیوه‌های مختلف را برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع ثانویه و همچنین از منابع مطلع کلیدی به کار خواهد برد تا وضعیت امنیتی را توضیح دهد و فرصتهایی را که برای توسعه مناطق بی‌ثبات در افغانستان و پاکستان وجود دارد، برشمارد.

⁵ Hindu, 2012, TAPI gas pipeline sale agreement signed (Accessed on August 12th 2014, <http://www.thehindu.com/business/Economy/tapi-pipeline-gas-sale-agreement-signed/article3449588.ece>)

تاپی

تاپی مخفف و برگرفته از حروف اول نام چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند [با تلفظ انگلیسی آن] و نام خط لوله است که قرار است گاز را از حوزه گاری گلکمیش در ترکمنستان به سه کشور دیگر منتقل کند.

شکل (۲)



منبع: مرکز کانادایی پالیسی آلترناتیو (سیاست بدیل)، (Canadian Center For Policy Alternative)

خط لوله گاز تاپی تلاشی بوده و هست که گاز را برای یک جمعیت یک میلیارد و پنجمصد میلیون نفری در جنوب آسیا به عنوان بازار مصرف خود فراهم سازد و به نوعی بازار مصرف گاز ترکمنستان را تنوع بخشد و همچنین خط لوله‌های مستقلی برای صادرات آن ساخته شود. کشورهای دخیل قدمهای متعددی را برداشته‌اند تا موانع موجود را از سر راه تحقق این پروژه بردارند.

«این خط لوله حجمی به اندازه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز را در روز برای افغانستان و ۱.۳۲۵ میلیارد فوت مکعب گاز را در روز برای هرکدام از کشورهای پاکستان و هند فراهم می کند. افغانستان در آغاز فقط به دریافت حق ترانزیت گاز

اظهار علاقه کرده بود، اما در مراحل بعد، توافقات این خط لوله را با ترکمنستان در جولای ۲۰۱۲ برای دریافت ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز در روز امضا کرد. جوانب پروژه تاپی توافق کردند که یک «واسطه یا کنسرسیوم با هدف ویژه» تحت عنوان «شرکت دارای مسئولیت محدود تاپی» با شرکت چهار کمپنی گاز از کشورهای عضو تشکیل دهند و بدین وسیله به فعالیتهای پیش پروژه خاصی، از جمله گزینش رهبر این کنسرسیوم، دست بزنند.^۶ کشورهای شرکت کننده در این پروژه به تسهیم مقداری از گاز توافق کردند.

⁶ Azad Rasheed, Abdul, "TAPI project to be completed by 2018-end", Business Recorder, November 22, 2014 (Accessed December 31th 2014)

انرژی و اهمیت آن برای افغانستان و پاکستان

پروژه تاپی به دلایل مختلف اهمیت دارد، امری که می‌تواند تقاضا برای انرژی گاز و محاسبه ژئوپلیتیک مسیر کنونی این خط لوله را بازتاب دهد. دسترسی به عرضه پایدار انرژی برای مردم این منطقه ضرورت دارد تا از فرصت‌های موجود در زمینه توسعه و رشد اقتصادی به شکل مطلوب استفاده شود. افغانستان، پاکستان و هند همه برای رشد اقتصادی خود به عرضه انرژی پایدار نیاز دارند، در حالی که همه آنها با کمبود جدی انرژی روبرویند. مکرراً باید اشاره کرد که دسترسی مقرون به صرفه به انرژی به توسعه انسانی منجر خواهد شد. «در "استراتژی انکشاف ملی افغانستان" انرژی یک وسیله مهم برای توسعه این کشور قلمداد شده و در آن اشاره شده که تنها ۶ درصد مردم این کشور به انرژی دسترسی دارند».^۷ در این استراتژی همچنین به توسعه سکتور یا بخش انرژی به عنوان عاملی حیاتی برای نیازهای اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری در این بخش اولویت داده شده است. پاکستان با محدودیتهای جدی انرژی روبروست. در یک گزارش بانک مرکزی پاکستان آمده است که کمبود گاز این کشور تا سال ۲۰۱۵-۶ اگر منابع تازه‌ای یافت نشود، حدود ۳ میلیارد فوت مکعب در روز خواهد بود. کمبود عرضه گاز این کشور در حال حاضر ۱.۲ تا ۱.۴ میلیارد فوت مکعب در روز است. شاید به همین دلیل، آصف علی زرداری رییس‌جمهور پاکستان پروژه تاپی را در کمک به اقتصاد این کشور و همگرایی بیشتر آن هم در داخل و هم در خارج از منطقه بسیار مهم توصیف کرده است.^۸

نیازهای انرژی افغانستان

هرچند دسترسی به انرژی در افغانستان ظرف یک دهه گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است، اما این کشور هنوز هم جزو ده درصد کشورهایی در سطح جهان است که کمترین استفاده سرانه انرژی را دارند. افغانستان یک اساس نیرومند صنعتی نداشته و روند کند صنعتی شدن در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ طی سالهای بعدی در اثر جنگها مختل شد. افغانستان اقتصادی مبتنی بر تجارت دارد و واردات آن عظیم است در حالی که صادرات آن ناچیز و عمدتاً شامل اقلامی اولیه چون فرش، میوه‌جات، سبزیجات، برخی صنایع دستی و سنگهای قیمتی می‌شوند، به گونه‌ای که جبران سرمایه هزینه شده برای واردات را نمی‌کند. جغرافیای محاط به خشکه افغانستان موفقیت بازرگانی آن را به نحوه برخورد همسایگانی وابسته می‌سازد که در گذشته مناسبات بسیار صلح‌آمیزی با هم نداشته‌اند. افغانستان نیاز به صنعتی دارد که در داخل متکی به مواد خام و انرژی قابل دسترس باشد، چرا که وارد کردن همانها هزینه را بالا می‌برد و توانایی رقابت را از محصولات افغانستان می‌رباید.

^۷ هدف هفتم در «استراتژی انکشاف ملی افغانستان».

^۸ INP, "TAPI Gas Pipeline Project is Most Important for Pakistan: Zardari, The Nation, June 11, 2012.

گاز می‌تواند منبع مهمی برای انرژی باشد. هم منابع داخلی گاز و هم گاز خریداری شده از طریق پروژه تاپی باید مورد مطالعه قرار گیرد و نقش آنها در مورد ایجاد فرصت برای سطوحی از صنعتی شدن در برخی مناطق برخوردار از پتانسیل فعالیت‌های اقتصادی بررسی شود. اثرات چندگانه آن و احتمال رسوخ آن به سطوح پایین‌تر دسته‌بندی‌های اقتصادی نیز باید ارزیابی شود. افغانستان در حال حاضر برنامه توزیع گاز ندارد و ممکن است این امر به خوبی در امور اداری آن بویژه در شرایطی که در هزینه خط لوله سهم می‌گیرد، بازتاب نیافته باشد.

افغانستان در عین حال ذخایر ثابت شده گاز دارد و در مناطق مختلف کشور ممکن است کشفیات تازه‌ای نیز شده باشد. کارشناسان گاز افغانستان از دهه ۱۹۸۰ اشاره داشتند که زمین‌شناسی شمال افغانستان شباهتهایی با ساختار حوزه‌های غنی از گاز ترکمنستان دارد.^۹ افغانستان براساس توافقات باید حق ترانزیتی معادل ۴۰۰ میلیون دلار در سال دریافت کند که بزرگترین رقم دریافتی این کشور از یک پروژه واحد است و می‌تواند از این پول برای انکشاف و توسعه شبکه توزیع گاز خود برای مصرف داخلی استفاده کند.^{۱۰} این کشور می‌تواند توسعه شبکه‌های داخلی را به منظور توزیع گاز هم برای مصرف خانواده‌ها و هم استفاده صنعتی آغاز کند. رییس پیشین اداره پترولیوم افغانستان اشاره کرد که سهم این کشور از پروژه تاپی ۱۶ درصد مجموع گازی است که از این خط لوله عبور می‌کند و این خیلی زیاد نیست، اما افزود که افغانستان می‌تواند از گاز تولید خود در مناطق بالقوه صنعتی استفاده کند.^{۱۱}

نیازهای انرژی پاکستان

انرژی برای پاکستان مانند هر کشور در حال توسعه دیگر برای رشد اقتصادی و توسعه آن حیاتی است. نشریه بانک انکشاف آسیایی به نام «اوتلوک» در سال ۲۰۱۲ بحران انرژی پاکستان را یکی از دشواریهای ساختاری اولیه توصیف می‌کند که اقتصاد آن را متأثر می‌کند.^{۱۲}

کارشناسان انرژی در پاکستان بر این باورند که این کشور در لبه یک بحران انرژی قرار دارد و یک نویسنده برجسته نوشته است که «از آنجا که انرژی عنصری حیاتی برای رشد و توسعه پایدار اقتصادی است، بنابراین مصرف انرژی به عنوان شاخصی اساسی برای استاندارد زندگی مردمان مورد استفاده بوده است. تقاضا برای انرژی در پاکستان باتوجه به

⁹ Noorani, Afghanistan: Pawn or potential queen? International Resource Journal, July 12th 2012

¹⁰ Daly, c John, Silk Road Reporter, Will the TAPI Pipeline Be Ever Built?, July 24th 2014 (accessed on Decemeber 6th 2014 <http://www.silkroadreporters.com/2014/07/24/will-tapi-pipeline-ever-built/>)

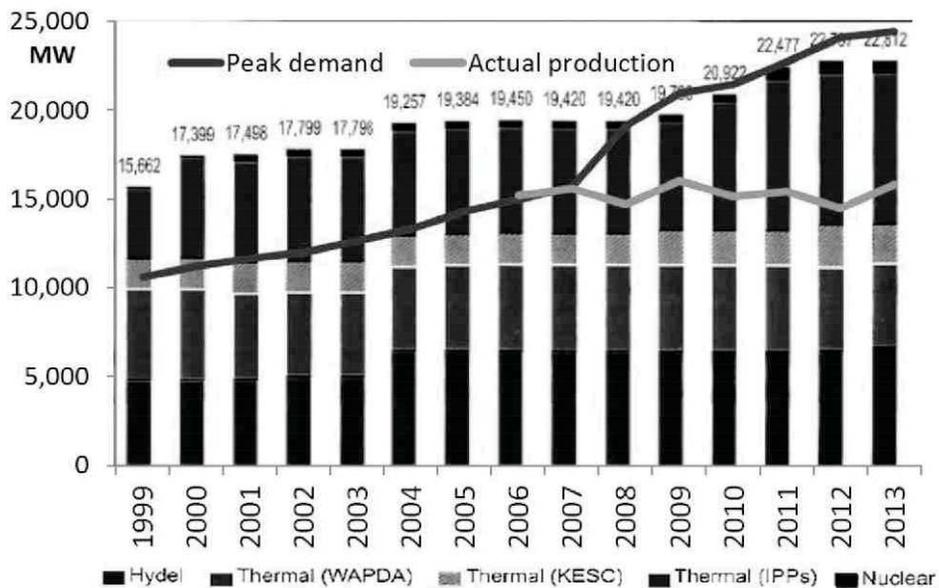
¹¹ اظهارات جلیل جمرانی در تاریخ ۱۴ جنوری ۲۰۱۴

¹² Asian Development Bank, <http://www.adb.org/sites/default/files/ado2012-pak.pdf>, visited Aug. 17, 2012.

انکشاف تکنولوژیک و صنعتی بیش از عرضه مجموع انرژی اولیه بوده است؛ و بنابراین، این کشور امروزه با کمبود شدید انرژی روبروست»^{۱۳}.

در گزارشهای بانک جهانی وضعیت انرژی این چنین توصیف شده است: «چالشی که شامل کمبود عظیم و روزافزون انرژی، هزینه بالای انرژی و عدم کارایی که این بخش را از تأمین مالی همه هزینه‌هایش مانع می‌شود. بنابراین، این سکتور یا بخش به شدت متکی بر حمایت دولت از طریق سوبسایدی و تأمین مالی برای تقریباً تمام برنامه سرمایه‌گذاری-اش است. عدم تناسب بین تولید و تقاضا رو به افزایش است. تولید برق از سال ۲۰۰۶ حدود ۹۴ تا ۹۸ تراوات ساعت (TWh) بوده در حالی که ظرفیت ایجادشده به دلیل عدم سرمایه‌گذاری به کندی افزایش یافته است. عدم تناسب میان عرضه و تقاضا باعث کاهش رشد تولید ناخالص ملی (GDP) ظرف چند سال گذشته به میزان دو درصد در سال شده است»^{۱۴}. بدین ترتیب، کمبود انرژی اثر منفی بر تولید ناخالص ملی داشته است.

شکل (۳): تقاضا بیشتر از ظرفیت بالا رفته است.



منبع: محاسبات بانک جهانی (براساس کتاب سال انرژی پاکستان و ایالت شمال غرب)

¹³ Anwar, Javed, 2010 "Analysis of Energy Security using Partial Equilibrium Model: A Case of Pakistan". International Islamic University, Islamabad

¹⁴ The World Bank 2014, Pakistan's country Snapshot

پاکستان جمعیتی رو به رشد دارد و نیازمندیهای جامعه آن مستلزم رشد سریع اقتصادی به منظور توسعه و انکشاف است. با این وجود، کارشناسان انرژی پاکستان تصویری تیره از اقتصاد این کشور ترسیم کرده و عمده تقصیرات را تا حدود زیادی به گردن سیاستهای انرژی آن در گذشته و رشد ضعیف اقتصادی آن می‌اندازند. به نظر شکیل احمد رمی «بحران غالب انرژی در این کشور حاصل سوء مدیریت و حکومتداری بد در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ است. پاکستان قادر نبوده در تمام قسمتهای انرژی مطابق با تقاضای روزافزون برای انرژی به منظور رشد پایدار اقتصادی و رفع نیازهای روزبه افزایش جمعیتی سرمایه‌گذاری کند».^{۱۵}

بحران کنونی انرژی در پاکستان که تقریباً تمام صنایع را در سراسر کشور فلج کرده به تجدید نظر درباره سرمایه‌گذاری در بخش انرژی در حال حاضر دامن زده است. حکومت پاکستان از اثرات انرژی بر رشد اقتصادی و توسعه این کشور آگاه است و تفاوت فاصله بین عرضه و تقاضا را یکی از چالشهای عمده در «سیاست ملی انرژی» شناخته است.^{۱۶}

ذخایر گاز پاکستان رو به پایان است در حالی که این کشور نتوانسته است در زمینه توسعه منابع تجدیدپذیر انرژی سرمایه‌گذاری کند. «پاکستان توانایی چندانی در عرصه توسعه منابع محلی در کوتاه مدت بدون این که قسمتهای مهم دیگر را متأثر سازد، ندارد». پاکستان کشوری درحال انکشاف با ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت و با کمبود شدید انرژی روبروست. این کشور مانند بسیاری از دیگر ممالک در حال توسعه به دلیل فقدان تکنولوژی و فناوری جدید تا حدود زیادی به منابع سنتی انرژی متکی است. پاکستان ۳۲ درصد برق خود را از منابع گاز طبیعی تأمین می‌کند و حجمی معادل ۲۷.۵ تریلیون فوت مکعب ذخایر قابل جبران گاز دارد.^{۱۷}

علاوه بر این، عرضه محدود گاز برای استفاده کنندگان محلی و صنعتی بر شدت بحران انرژی افزوده است. در سال ۲۰۱۰، تولید بومی نفت و گاز ۶۴۹۴۸ بیرل در روز و ۴۰۶۳ میلیون فوت مکعب در روز (به ترتیب) بود. طبق بررسی «موسسه انکشاف هیدروکربن پاکستان» توازن ذخایر نفت و گاز این کشور تا جون سال ۲۰۱۰ به ترتیب ۴۱.۱۳ (MTOE) و ۴۹۸.۷۰ (MTOE) بود. اگر عرضه و تقاضا تغییر نکند، می‌توان محاسبه کرد که ذخایر شناخته شده به ترتیب ظرف ۱۳ تا ۱۶ سال آینده، به شکل زیر، پایان خواهد یافت.^{۱۸} در این گزارش همچنین آمده است که ذخایر گاز پاکستان ظرف ۱۶ سال به پایان خواهد رسید و این امر به دلیل فقدان یک جایگزین، بر وخامت بحران انرژی خواهد افزود. تولید کنونی گاز پاکستان حدود ۴ میلیارد فوت مکعب در روز است در حالی که تقاضا برای آن ۶ میلیارد فوت

¹⁵ Ramay.A Shakeel, 2011, A Profile of Pakistan's Development Status and Green Economy in Pakistan, Sustainable Development Policy Institute, Working Paper Series #8 2011 (accessed on September 15th 2014)

¹⁶ National Power Policy 2013 Government of Pakistan

¹⁷ Mahmood Anzar, 2012, Pakistan's overall Energy Potential Assessment

مکعب در روز است. انتظار می‌رود تولید گاز تا سال ۲۰۱۵ با توجه به کاهش ذخایر گاز تا کمتر از یک میلیارد فوت مکعب در روز کاهش یابد و تقاضا تا ۸ میلیارد فوت مکعب در روز افزایش پیدا کند. در حدود یک سوم گاز طبیعی داخلی برای تولید برق به کار می‌رود (۳۲ درصد) و این امر باعث نقصان شدید در زمینه عرضه گاز محلی و صنعتی می‌شود. «انکشاف صنعتی با وقفه مواجه شده و واحدهای کنونی صنعتی به دلیل نبود برق فعالیت خود را متوقف می‌کنند. وضعیت عمومی تجارت داخلی بدتر شده و این امر به افزایش بیکاری و فقر منجر شده است. مجموع این عوامل به نوبه خود، بدگمانی و بی‌اعتمادی مردم به حکومت دموکراتیک دامن زده است».^{۱۹} مسئله به همین جا ختم نمی‌شود بلکه وضعیت حاضر عوامل دیگر شاخصهای امنیت و مصونیت انسانی نظیر تأمین غذایی و شغل یابی و نظایر آن را نیز دربر گرفته است. در چنین شرایطی، ۱.۳۶۵ میلیارد فوت مکعب در روز گاز پروژه تاپی می‌تواند تا حدودی نیازهای روزانه پاکستان را به گاز پاسخ دهد و از آن برای تولید برق و یا عرضه گاز برای صنایع استفاده شود تا آرامش نسبی را به این عرضه تا حدودی بازآورد. گاز به عنوان یک منبع انرژی ممکن است حامیانی میان کارشناسان نیز بیابد و مطابق با مشوره‌های آنان برای ترویج «اقتصاد سبز» باشد.

^{۱۹} همان

تاریخچه ژئوپولیتیک پروژه تاپی

خط لوله عبوری از افغانستان که بعداً «تاپی» نام گرفت، ابتدا در سال ۱۹۹۵ مطرح شد اما دو دهه بعد از این تاریخ هنوز هم این پروژه طرحی روی کاغذ است و موانع زیادی پیش روی آن قرار دارد. دلایل زیادی باعث این موضوع شده که برخی مشهود و بعضی دیگر چندان قابل مشاهده نیستند. بحث درباره بازیگران و عوامل آن اهمیت دارد. شرکت یونوکال (Unocol) که در امریکا ثبت شده و بریداس (Bridas) که در آرژانتاین به ثبت رسیده بزرگترین غولهای انرژی بودند که در دهه ۱۹۹۰ میلادی برای ساخت این پروژه وارد رقابت شدند، اما شرایط افغانستان باعث شد تا این طرح عملی نشود. حامد کرزی رییس جمهور سابق افغانستان و زلمی خلیلزاد هر دو به یونوکال مشورهایی داده بودند. وارد شدن یونوکال بعد از بریداس به عرصه رقابت باعث پیشرفتهایی در این عرصه در جریان تماس با حکومت ترکمنستان شد و شرکت دوم را از عرصه خارج کرد؛ امری که می‌توانست از تلاش سعودیها برای گسترش نقش‌شان در بازار انرژی آسیای میانه حکایت داشته باشد.

شانس دوم پروژه تاپی بعد از سقوط طالبان پیش آمد، با این وجود مسایل تأمین مالی و خواست برخی از کشورهای دیدخل برای تضمین عدم ایجاد وقفه در جریان گاز باعث شد که پیشرفت پروژه متوقف شود. پروژه خط لوله گازی ایران-پاکستان نیز وارد عرصه رقابت شد. قانون مربوطه ترکمنستان برای تصاحب تأسیسات بندری، اکسون موبایل (Exxon Mobile) و چفرون (Chevron) را به عنوان بزرگترین شرکتهای انرژی، از کار در این عرصه بی‌میل ساخت. تأمین مالی این پروژه تبدیل به مسئله‌ای عمده شده و همین وضعیت در آینده نیز وجود خواهد داشت، مگر این که شرکتهای بزرگ با حمایت کشورهای نیرومند پا را پیش گذاشته و نه تنها سرمایه لازم را فراهم سازند بلکه نسبت به عرضه گاز نیز اطمینان به وجود آورند و نگذارند این پروژه گروگان منازعات و رقابتهای منطقه‌ای شود. شرکت انرژی فرانسوی توتال (Total) در مورد پروژه تاپی علاقه زیادی از خود نشان داده و به نظر می‌رسد که در پشت صحنه فعالیت دارد.^{۲۰} با این وجود، فراهم سازی پول برای اجرای پروژه تاپی و قوانین مالکیت ترکمنستان که به خارجیان اجازه نمی‌دهد در این کشور تأسیسات را تصاحب کنند، دو مانع عمده بر سر راه سرمایه‌گذاران بالقوه بوده است.^{۲۱}

ذخایر گاز آسیای میانه تبعات ژئواستراتژیک عظیمی برای غرب دارد، چرا که کشورهای غربی مقداری از گاز مورد نیاز خود را از برخی از همین منابع به دست می‌آورند و رشد تقاضا در میان بازیگران جدید وضعیت بازیگران قدیمی را که بر این کالا مسلط بوده‌اند، به چالش می‌طلبد.^{۲۲}

²⁰ <http://tribune.com.pk/story/768341/total-tempted-by-ambitious-tapi-asian-pipeline-project/>

²¹ Guillaume Lavallee, "Total tempted by ambitious TAPI Asian pipeline project" French Press, September 28th 2014

²² <http://www.thewashingtonreview.org/articles/central-asia-the-new-great-game.html>

اهمیت ژئواستراتژیک منطقه نیز باتوجه به ذخایر گاز آن بیشتر شده و به رقابت زیادی در این عرصه دامن زده است. «شش بازیگر عمده این عرصه شامل امریکا، روسیه، چین، ایران، ترکیه، هند و البته پاکستان می شود. از این میان، برخی از قدرتهای بزرگتر نظیر روسیه و امریکا بازیگران عمده این عرصه به شمار می‌روند و بیشتر از کشورهایی نظیر هند و ترکیه در بازی سهم دارند».^{۲۳} روسیه به عنوان یک بازیگر عمده در زمینه بازار بین المللی گاز، که از این توانایی خود به عنوان ابزار مهم دیپلماتیک و معامله برای ترویج منافع خود استفاده کرده است، ممکن است نظر مساعدی نسبت به پروژه خط لوله گاز تاپی نداشته باشد. زیرا این پروژه راهی تازه برای صدور گاز منطقه که خارج از حوزه نفوذ روسیه است، می‌گشاید و قبضه آن را بر بازار اروپایی و سیاستهای آن تضعیف می‌کند. مناسبات بین مسکو و عشق‌آباد بر سر قیمت گاز و سلطه روسیه بر آن باعث تنش شده و گازپروم، شرکت انرژی روسی، میزان خرید خود را از ترکمنستان کاهش داده و به این ترتیب این حوزه را در معرض تسلط چین قرار داده است.

چین، کشوری با تقاضای عظیم انرژی برای تغذیه اقتصاد رو به گسترشش، ممکن است به دنبال معامله جدید گاز در ترکمنستان با شرایط دلخواه کشور میزبان باشد و این امر شرایط دشواری را برای تصمیم‌گیری در عرصه رهبری سیاسی به وجود بیاورد. چین پیشاپیش سرمایه‌گذاری عمده‌ای در ترکمنستان کرده و «شرکت ملی پترولیوم چین» در سال ۲۰۰۹ ساخت خط لوله ۸ میلیارد دلاری آسیای مرکزی-چین را آغاز کرده است؛ خط لوله‌ای که در نهایت گاز را به شانگهای و هنگ‌کنگ انتقال خواهد داد. چین همچنین تنها سرمایه‌گذار خارجی است که به حوزه‌های گاز عمده این منطقه دسترسی مستقیم پیدا کرده است.^{۲۴}

ایران، کشوری با ذخایر عظیم گاز، که با تحریمهای بین المللی مواجه است و در اثر آن منزوی و اقتصاد آن تضعیف شده، تلاش کرده که تا مسیر بدیلی را برای خط لوله گاز (خط لوله ایران-پاکستان) و همچنین گاز ارزانتر برای پاکستان پیشنهاد کند. ایران همچنین می‌خواهد تمایل به همگرایی در منطقه نشان دهد و لبه تحریمهای بین المللی را از طریق دیپلماسی گاز کند سازد. مذاکرات جاری و بحثها بین پنج قدرت هسته‌ای و ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور ممکن است به رفع تحریمها و محدودیت علیه ایران منجر شود و پاکستان هم در صدد استفاده از گاز ایران برآید. مجموع این عوامل احتمالاً چالش عمده‌ای را برای خط لوله تاپی به وجود خواهد آورد.

علازغم پیچیدگی این کشمکش سیاسی، بانک انکشاف آسیایی «نقش مشورتی معاملاتی» را برای ۱۸۰۰ کیلومتر خط لوله تاپی برعهده گرفته است. این خط لوله به صورت مشترک توسط چهار کشور مدیریت می‌شود. «بانک توسعه آسیایی

²³ Henderson Creelea, 2010 Shifting Sand in Central Asia: Geopolitics of Natural Gas Flow accessed on August 10th 2014 (<http://www.bu.edu/iscip/Vol20/henderson.html>)

²⁴ Olcott Brill, Martha, 2013, "The Geopolitics of Natural Gas", Harvard University's Belfer center and Rice University's Baker Institute Center for Energy Studies, 2013

براساس توافق‌نامه‌ای که بین شرکتهای گاز متعلق به کشورهای ذیربط امضا شده، پیشنهاد شرکت خط لوله تاپی را ارائه کرده تا **دقت تخنیک**ی را انجام دهد و همچنین نامزدی و گزینش رهبر کنسرسیوم تجاری را برای ساخت، مالکیت و فعالیت خط لوله برعهده بگیرد»^{۲۵}.

هزینه این پروژه چند برابر شده است. «این خط لوله ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز را ظرف سی سال آینده به افغانستان، پاکستان و هند انتقال خواهد داد. هند و پاکستان هرکدام ۱.۳۶۵ میلیارد فوت مکعب دریافت خواهند کرد و افغانستان هم ۵۰۰ میلیون فوت مکعب را ظرف این سه دهه خواهد خرید»^{۲۶}.

²⁵ Asian Development Bank, 2013, 'ADB to Assume Transaction Advisory Role for Historic Regional Gas Pipeline' (Accessed on August 22nd 2014 from <http://www.adb.org/news/adb-assume-transaction-advisory-role-historic-regional-gas-pipeline>)

^{۲۶} همان.

شرح مختصری از ولایات

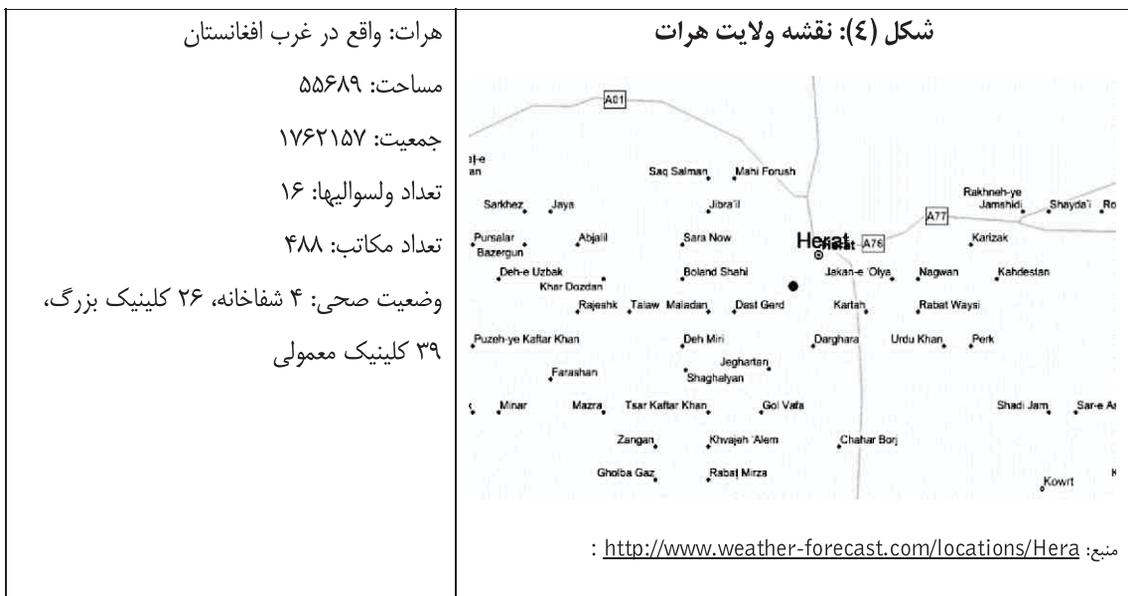
خط لوله گاز تاپی که ظرف دو دهه گذشته بارها در معرض مذاکرات، رقابت، بحث و چالش قرار داشته، اکنون دوباره بر سر زبانها افتاده است. این خط لوله از یکی از ناامن‌ترین و پرمناقشه‌ترین مناطق جهان می‌گذرد، چرا که این منطقه در معرض تنشهای متعدد قرار داشته، به گونه‌ای که برخی از کشورهای دخیل به آن عنوان نمادین «خط لوله صلح» داده‌اند. افغانستان به عنوان اولین کشور واقع در مسیر بسیار ناامن است، بخشهایی از پاکستان در مسیر آن نیز در معرض درگیری و شورشگری بوده و بیش از نیم میلیون سرباز هندی و پاکستانی هم در امتداد مرز دو کشور صف‌آرایی داشته‌اند. در عین حال هند و پاکستان برای تضمین رشد پایدار با تقاضای عظیم انرژی روبرویند؛ پاکستان با بحران خردکننده انرژی مواجه است و هند در صورت تأمین منبع پایدار انرژی، پتانسیل زیادی برای رشد صنعتی دارد. تأسیسات اقتصادی پاکستان برای ادامه فعالیت و ارائه کالا و خدمات به انرژی نیاز دارند.

خط لوله تاپی براساس طرح اولیه سفر خود را از افغانستان از ولایت هرات آغاز می‌کند، بعد به طرف فراه، هلمند و قندهار امتداد یافته و در ایالت بلوچستان به خاک پاکستان وصل می‌شود. چندین منطقه در مسیر تاپی ناامن است. این خط لوله فضایی برای تفاهم و پذیرش و برخورد متقابل میان سهامداران واقع در مسیر ایجاد کرده و دولت و مردم این مناطق را به یکدیگر نزدیکتر خواهد کرد. علاوه بر این، پروژه تاپی برای مردم محل کار ایجاد خواهد کرد و فکر تازه‌ای در زندگی آنها به وجود خواهد آورد.

شرح مختصر وضعیت هر کدام از ولایات در زیر آورده می‌شود تا چالشها و فرصتهای موجود مشخص شده و این امر به تحلیل اطلاعات کمک کند.

ولایت هرات

هرات در غرب افغانستان واقع است. هرات در شرق به ولایت غور و در غرب به ایران متصل می‌شود. ترکمنستان در شمال، بادغیس در شمال شرق و فراه در جنوب این ولایت موقعیت دارد.^{۲۷} این ولایت با ایران و ترکمنستان مرز مشترک دارد و به طور نسبی پیشرفت کرده و پتانسیل خوبی برای توسعه بیشتر را در خود دارد. این ولایت بخش صنعتی بزرگی دارد که شماری از کالاها را تولید می‌کند. نیروهای غربی مستقر در این منطقه می‌گویند: «هرات از نظر زراعت و صنعت غنی‌ترین ولایت افغانستان است. بیشتر تجارت افغانستان با ایران از همین طریق و از مرز اسلام قلعه انجام می‌شود. شهر هرات از طریق شاهراه حلقوی به کابل، قندهار، ایران و ترکمنستان وصل می‌شود و این امر هرات را به مرکزی برای مبادلات منطقه‌ای تبدیل می‌کند».^{۲۸}



اقتصاد:

غلات: گندم، برنج، جواری، لوبیا، ماش، نخود و نظایر آن.
 محصولات صنعتی: پنبه، چغندر، نیشکر، کنجد، تنباکو و زیتون
 میوه‌جات: انگور، انار، خربزه، تربوز، مالته، بادام، چهارمغز، توت و سبزیجات نظیر کچالو، پیاز، زردک، گلپی، اسفناج و گندنا.

منابع طبیعی:

مس، آهن، سنگ مرمر، لیتیوم، نمک، گچ، سنگهای قیمتی، طلا، سمنت، پترولیوم یا نفت خام

²⁷ A socio-economic and demographic profile of Hirat/ UNIDATA-a project of UNDP/OPS and UNOCA

²⁸ Institute for the Study War, Demography and Terrian, (accessed on September 19th 2014):

<https://www.understandingwar.org/region/regional-command-west>

امنیت:

علازغم برخی تحولات مثبت در ولایت هرات، بسیاری از مناطق آن ناامن است و شورشیان می‌توانند به راحتی در آنها دست به حملاتی بزنند. ولسوالی شیندند در موارد زیادی از سوی طالبان با هدف کشتن نیروهای آیساف و سربازان اردوی ملی مورد حمله قرار گرفته است.^{۲۹} گروه‌هایی از شورشیان در ادرسکن حضور داشته و بند برق سلمی بارها مورد حمله واقع شده است. ایرانیان به انجام یا حمایت از حملاتی به پروژه‌های زیربنایی عمده در ولایت هرات متهم شده‌اند. در یک گزارش که توسط «کلید گروپ» تهیه شده، چنین آمده است: «در اپریل سال گذشته مقامات امنیتی در هرات گفتند که یک توطئه طالبان برای منفجرساختن بند [سلمی] را خنثی کرده و ۱۳۰۰ کیلوگرم مواد منفجره را یافتند. به گفته عبدالرئوف احمدی رییس پلیس زون غرب یک هیأت موظف از سوی وزارت داخله برای تحقیق درباره اتهامات حاکی از دست داشتن ایران در حملات علیه پروژه بند سلمی در چشت شریف سلاحها و مهمات ساخت ایران را در این منطقه یافت.»^{۳۰} ناامنی در هرات که بیش از یک جنبه دارد و مورد حمایت بیشتر از یک بازیگر است، برای ساخت و فعالیت خط لوله هم در کوتاه مدت و هم درازمدت زیان‌آور است.

زیرساختارها:

هرات در مقایسه با سایر ولایات از زیرساختار جاده‌ای بهتری برخوردار است. جاده‌هایی که هرات را به ترکمنستان و ایران وصل می‌کنند، مناسب و هموارند. هرات یکی از نخستین ولایاتی است که از طریق خط آهن و جاده به ایران وصل می‌شود. دسترسی به برق نیز در این ولایت مطلوب است. کار در بند برق سلمی جریان دارد و این پروژه در صورت تکمیل می‌تواند ۴۲ کیلووات برق برای هرات تأمین کند.^{۳۱}

هرات از تسهیلات بهتری نسبت به سایر ولایات افغانستان برخوردار است و برخی از ولسوالی‌های آن به برق دسترسی دارند. دسترسی به شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی نیز در آنجا وجود دارد و برخی ولسوالیها از اینترنت نیز می‌توانند استفاده کنند. دسترسی به رادیو عمومیت دارد و حدود ۹۸ درصد جمعیت از رادیو و ۵۵ درصد از تلویزیون استفاده می‌کنند. دفاتر پوسته و تلفن عمومی مورد استفاده است؛ دفاتر پوسته در ۸ و تلفن عمومی در ۱۵ روستا وجود دارد.

^{۲۹} همان

^{۳۰} نگاه کنید به گزارش کلید گروپ

^{۳۱} Lal Aqa Shirin, 2014, "Salma Dam back on tract", The Keleed Group (Accessed on November 9th 2014 <http://tkg.af/english/reports/political/1537-salma-dam-back-on-track>)

ولایت فراه

ولایت فراه در غرب افغانستان موقعیت دارد و با هلمند در شرق، نیمروز در جنوب، ایران در غرب، هرات در شمال و غور در شمال غرب هم مرز است.

<p>فراه: در غرب افغانستان مساحت زمین: ۴۹۳۳۹ جمعیت: ۸۶۵۰۳۳ تعداد ولسوالیها: ۱۱ تعداد مکاتب: ۳۵۰ و تعداد شاگردان ۱۱۰۱۵۹ وضعیت صحتی: فراه فاقد امکانات مناسب صحتی است. بیش از ۵۰ درصد جمعیت برای دریافت خدمات صحتی مجبورند بیش از ده کیلومتر سفر کنند.</p>	<p>شکل (۵): نقشه ولایت فراه</p>  <p>منبع: http://www.weather-forecast.com/locations/Farah</p>
<p>اقتصاد:</p> <p>محصولات صنعتی: پنبه، کنجد، تنباکو، زیتون، بادام و انار صنایع دستی: قالین، گلیم، جواهرآلات و شال گردن صنایع کوچک و متوسط: ابریشم، قره‌قل، عسل، نیشکر و محصولات لبنی بیشتر فعالیتهای اقتصادی در اطراف پرچمن مرکز فراه، و ولسوالیهای بکوا، بالابلوک و گلستان متمرکز است. منابع طبیعی: مس، آهن، نقره، نمک، تنگستن، کهربا، و معادن اورانیوم؛ براساس اظهارات مقامات اداره معدن محلی.</p>	

وضعیت امنیتی:

شرایط امنیتی ولایت فراه ظرف چند سال گذشته رو به وخامت گذاشته است. شورشیان طالبان در چندین ولسوالی حضور دارند و به حملاتی علیه نیروهای ائتلاف و سربازان افغانستان دست زده‌اند. ظرف چند سال گذشته حملات بسیاری صورت گرفته است. مرکز فراه، خاک سفید، بکوا و بالابلوک جزو مناطقی است که در معرض تهاجم شورشیان قرار داشته‌اند.^{۳۲}

زیرساختارها:

زیربناهای حمل و نقل در فراه به شکل معقولی توسعه یافته و نزدیک به نیمی از جاده‌های این ولایت (۴۹٪) امکان سفر جاده‌ای برای تمام فصول را دارد، و یک سوم جاده‌ها (۳۴٪) در برخی از فصول این شرایط را دارند. ۳۳ با این وصف، بیشتر این جاده‌ها یا در ولسوالی بالابلوک و یا در مرکز ولایت قرار داشته و بقیه ۹ ولسوالی جاده مناسب ندارند.

³² Program for Culture and Conflict studies, 2009 accessed on September 22nds
(http://www.nps.edu/programs/ccs/Farah/Farah_Provincial_Overview.pdf)

ولایت هلمند

هلمند در جنوب افغانستان واقع است. هلمند با ولایات دایکندی و غور در شمال شرق، ارزگان و قندهار در شرق، نیمروز و فراه در غرب و پاکستان در جنوب مرز مشترک دارد.^{۳۴}

شکل (۶): نقشه ولایت هلمند



منبع:

http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Helmand_No_rth_0.jpg

هلمند: در جنوب افغانستان
سرزمین: ۵۸.۳۰۵ کیلومتر مربع
جمعیت: ۱۴۴۱۷۶۹
نادعلی، لشکرگاه و نهر سراج بیشترین جمعیت ولایت هلمند را در خود جای داده‌اند.
تعداد ولسوالی‌ها: ۱۳
تعداد مکاتب: ۳۵۵. براساس یک تحقیق در این ولایت حدود ۱۰۵۷۰۲ شاگرد مشغول به درس هستند که از این میان ۲۳۱۰۲ نفر دختر و ۸۲۶۰۰ نفر پسرند.

اقتصاد:

هلمند بیشترین تولید کوکنار را در میان کشورهای جنوب آسیا دارد.^{۳۵} زراعت عمده درآمد ۶۹٪ از خانواده‌هاست. محصولات: پنبه، نیشکر، کنجد، تنباکو، زیتون، گندم، جواری، برنج، ماش، لوبیا و نخود. صنایع دستی: قالین، گلیم، جواهرآلات، شال. میوه‌جات: انگور، انار، خربزه، تربوز، مالته، بادام، چهارمغز، توت. تولیدات گیاهی: بادیان. صنایع کوچک: تولیدعسل، ابریشم، پوست قره‌قل، نیشکر. کشت صنعتی عمده: پنبه و تنباکو که به ترتیب در ۳۹۵ و ۱۶۴ از مجموع ۶۹۳ روستای هلمند به عمل می‌آید.^{۳۶}

³⁴ A socio-economic and demographic profile of Helmand/ UNIDATA-a project of UNDP/OPS and UNOCA

³⁵ DW, 2014 "Afghanistan poppy cultivation soars despite US efforts" Oct, 28th 2014

منابع طبیعی:

عقیق، اورانیوم، مگنت، کربنات، گچ، روی، سرب، جیوه، مرمر سفید و نظایر آن.^{۳۷} این ولایت از نعمت آب جاری برای زراعت برخوردار است.

امنیت:

هلمند ولایتی بسیار ناامن است. ناآرامیها در این ولایت و قاچاق مواد مخدر آن را به منطقه‌ای آسیب‌پذیر تبدیل کرده است. هلمند شاهد برخوردهای مسلحانه شدیدی بوده است. نیروهای ائتلاف و سربازان دولتی بیشترین تلفات را در هلمند داشته‌اند و این ولایت همچنان ناآرام است. عوامل داخلی و خارجی متعددی به این وضعیت ناامنی دامن زده است. رقابت بر سر منابع آب این ولایت عنصر دیگری است که در ناآرامی آن نقش داشته و مایه کشمکش شده است.

زیرساختارها:

زیرساختارهای حمل و نقل در هلمند به خوبی توسعه یافته و ۷۰ درصد جاده‌های این ولایت در تمام فصول سال و ۲۸ درصد در برخی از فصول قابل استفاده‌اند.^{۳۸} با این وصف، در ۵ درصد مناطق جاده‌ای وجود ندارد. بند برق کجکی با ظرفیت تولید ۳۳ مگاوات برق در این ولایت قرار دارد.^{۳۹}

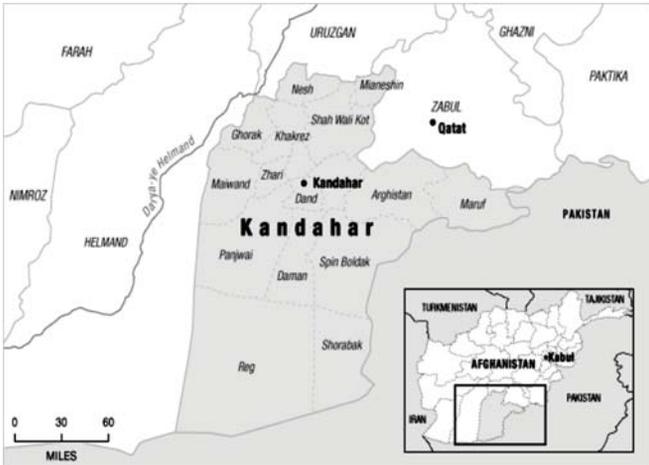
^{۳۷} منابع معدنی ولایت هلمند در منبع زیر: (Jan 2014 (<http://mines.pajhwok.com/news/mineral-resources-helmand-province>)

^{۳۸} Afghanistan Infrastructure and Rehabilitation Program, 2009 'Kajakai Dam Powerhouse Boosts Power to 33 MW, Benefitting Thousands in SW Afghanistan', dated Oct, 24th 2009 (<https://www.irp-af.com/?pname=open&id=261&type=html>)

^{۳۹} Afghanistan Infrastructure and Rehabilitation Program, 2009 'Kajakai Dam Powerhouse Boosts Power to 33 MW, Benefitting Thousands in SW Afghanistan', dated Oct, 24th 2009 (<https://www.irp-af.com/?pname=open&id=261&type=html>)

ولایت قندهار

قندهار در جنوب افغانستان واقع است و مرز مشترک با ولایات ارزگان، زابل، هلمند و ایالت بلوچستان پاکستان دارد.

<p>قندهار: در جنوب افغانستان مساحت زمین: ۵۴.۰۰۲۲ کیلومتر مربع جمعیت: ۹۱۳۹۰۰ نفر تعداد ولسوالی: ۱۸ شمار مکاتب: ۴۷۲ که از این میان ۲۶۲ مکتب با ۲۸۶۰۶ شاگرد فعالند.</p> <p>وضعیت صحتی: این ولایت شفاخانه ندارد و تنها ۲۱ مرکز اولیه صحتی در سراسر شهر قندهار وجود دارند. بنابراین، مردم بیش از ده کیلومتر سفر می کنند تا خود را به نزدیک- ترین مرکز صحتی برسانند. ۲۲ مرکز صحتی کامل و تنها دو مرکز مداوای معتادان در شهر قندهار واقع است.^{۴۰}</p>	<p>شکل (۷): نقشه ولایت قندهار</p>  <p>منبع: http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Helmand_Northern.jpg</p>
---	---

اقتصاد:

ولایت قندهار کوهستانهای صعب العبوری دارد. قندهار یکی از توسعه نیافته ترین ولایات افغانستان است. در این ولایت تنها ۲۷ درصد خانوارها به برق دسترسی دارند و این نسبت در مناطق روستایی تنها دو درصد است. زراعت برای یک چهارم جمعیت این ولایت منبع اصلی درآمد است. در ولایت قندهار تنباکو، پنبه، تربوز، انگور درختان میوه خشک و همچنین کوکنار محصول می دهد. از نظر کشت کوکنار قندهار دومین ولایت افغانستان به شمار می رود.^{۴۱} ولسوالیهای ارغنداب، دند، پنجوایی میوند مولدترین مناطق قندهار هستند. اقتصاد قندهار به زراعت و مالداری وابسته است و حرفه های تجاری نقش دوم را در این عرصه دارد. محصولات صنعتی نظیر پنبه، کنجد، زیتون، گل آفتاب-پرست، زیره و بادام زمینی در مناطق مختلف ولایت به عمل می آید و مزارع گندم، جو و جواری همه جا به چشم می خورد.^{۴۲} قندهار در سالهای اخیر شاهد سطوحی از صنعتی شدن هم بوده و طبق گزارش آژانس خبری پژواک، «براساس برنامه های انکشاف شهری، زمین برای ۸۴ کارخانه توزیع شده که از این میان ۷۲ کارخانه فعالند و بقیه به

⁴⁰ <http://moph.gov.af/> Afghanistan provincial health profile – MoPH, HMIS department

⁴¹ Institute for the Study of War, Regional Command South, 'Kandahar' (Accessed on November 13th 2014 <https://www.understandingwar.org/region/regional-command-south-0#Kandahar>)

⁴² A socio-economic profile of Kandahar : UNIDATA – a project of UNDP/OPS and UNOCA

دلیل فقدان برق بسته شده‌اند. تولیدات اصلی این کارخانه‌ها وسایل کباب‌پزی، آلومینیم، ظروف و وسایل پلاستیکی، سندل، روغن، صابون و نظایر آن است. گلدوزی یخن پیراهن از صنایع دستی پرطرفدار در قندهار است.^{۴۳} موقعیت قندهار در مسیر شاهراه میان کابل و هرات و همچنین قرار گرفتن در مسیر کوئته پاکستان عامل عمده توسعه و انکشاف این ولایت بوده است. قندهار به دلیل تنوع محصولات میوه صادراتی‌اش نظیر انگور و انار شهرت زیادی دارد و زردآلو، سیب، انجیر، شفتالو، گلابی، توت، و بادام نیز در آن به عمل می‌آید. منابع طبیعی: معادن آهن، مرمر، فلوراید، سمنت و ذغال سنگ.^{۴۴} قندهار مناطق بسیاری دارد که هنوز در مورد وجود مواد معدنی و هیدروکربن در آنها باید اکتشافاتی صورت گیرد.

امنیت

وضعیت امنیتی در بخشهایی از قندهار در این اواخر بهبود یافته است، اما این ولایت علارغم استقرار عمده نیروهای ناتو همچنان شرایط شکننده‌ای دارد. در برخی از ولسوالیهای قندهار امنیت نگرانی عمده نیروهای خارجی و سربازان دولتی است. موسسه مطالعات جنگ اظهار داشته که «قندهار همچنان یکی از آسیب‌پذیرترین ولایات افغانستان است و برخی از مناطق آن تحت کنترل شورای کوئته طالبان قرار دارد. قندهار از نظر استراتژیک برای طالبان اهمیت دارد». طالبان در قندهار به حملات انتحاری، انفجار بمبهای کنار جاده‌ای، کارگذاری ماین و تهاجم دست می‌زنند. آنان نیروهای آیساف و همچنین اردو و پلیس افغانستان را هدف می‌گیرند. پدیده فراگیر فساد و ارتکاب جرایم باعث تغذیه شورشگری شده و مؤثریت نیروهای امنیتی و بویژه پلیس محلی را تضعیف کرده است.^{۴۵}

زیرساختارها:

این ولایت در گذشته تاریخ مسیر بازرگانی منطقه بوده و نزدیکی آن به پاکستان آن را به مرکزی برای تجارت افغانستان بدل کرده است. جاده حلقوی افغانستان از قندهار می‌گذرد و بانک انکشاف آسیایی مطالعه‌ای را درباره خط آهنی که این ولایت را به مراکز عمده دیگر وصل کند، آغاز کرده است.

هشت ولسوالی قندهار نظیر مرکز، دامن، خاکریز و نظایر آن جمعاً ۳۱۲۷ کارخانه را در خود جای داده‌اند. ورکشاپ‌ها و کارگاهها شمار بیشتری دارند و در کل ولایت ۳۰۷۲ ورکشاپ وجود دارد.^{۴۶} این ولایت از نظر تاریخی یک مسیر بازرگانی منطقه‌ای بوده و نزدیکی آن با پاکستان باعث شده که قندهار به مرکزی برای تجارت منطقه تبدیل شود. جاده حلقوی

^{۴۳} آنالس خبری پژواک، سال ۲۰۱۴، نیم رخ ولایت قندهار.

^{۴۴} <http://mines.pajhwok.com/news/minerals-resources-Kandahar-province>: January 14-2014

^{۴۵} Op-cit Institute for the War Study

^{۴۶} همان

افغانستان از قندهار می‌گذرد بانک انکشاف آسیایی مطالعه‌ای را درباره خط آهنی که این ولایت را به مراکز عمده دیگر وصل کند، آغاز کرده است. شهر قندهار یک میدان هوایی بین‌المللی دارد.

سفر خط لوله تاپی از طریق چهار ولایت جنوب و جنوب شرقی افغانستان بدون چالش نیست و از میان آنها ناامنی یک عامل عمده و تعیین‌کننده است. این امر همچنان تصمیم‌گیری راجع به اجرای پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وضعیت حقوق بشری بویژه شرایط زنان تلخ است. اگرچه میزان قدرت و اختیارات زنان در کابل رو به بهبود است اما در عرصه‌های بسیاری هم در گفتمان و هم در روح و روان افراد باید تغییرات پدید آید. وضعیت زنان در ولایات واقع در مسیر تاپی چون هرات، فراه، هلمند و قندهار در اثر مناقشات طولانی و پیگیر رو به وخامت است. براساس برآورد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۲ به ۴۱۵۴ مورد رسید که بیش از ۳۰ درصد آنها خشونت فیزیکی بوده است.

دادن قدرت و اختیارات به زنان موضوعی مهم است و از نزدیک به قدرت‌گیری اقتصادی آنان نیز وابسته است تا آنها بتوانند در تصمیم‌گیری خانوادگی سهم بگیرند و در حوزه‌های عمومی مشارکت نمایند.

ادامه مسیر پروژه تاپی به سمت پاکستان

خط لوله تاپی از افغانستان به سمت بلوچستان ادامه می‌یابد؛ ایالتی که برخی خط لوله‌ها را که به سمت دیگر ایالات پاکستان امتداد می‌یابد، در خود جای داده است.

مهم است وضعیت کنونی ایالت بلوچستان را که چالشهایی برای این خط لوله در تمام مراحلش به وجود می‌آورد، روشن سازیم. مناقشات در بلوچستان تاریخی طولانی دارد و عوامل آن باید بررسی شوند تا موانع احتمالی در مورد اجرای خط لوله تاپی و قدمهای آغازین برای عملی کردن آن مشخص شوند.

بلوچستان

پس از ایجاد پاکستان، ایالت بلوچستان در سال ۱۹۷۰ پا به عرصه وجود گذاشت. بلوچستان بزرگترین ایالت پاکستان است اما برعکس کمترین جمعیت را در خود جای داده است. «این ایالت با سه ایالت دیگر پاکستان مرز مشترک دارد. ایالت قبایلی خیبر پختونخواه تحت اداره دولت فدرال در شمال، ایالت پنجاب در منتهی الیه شمال شرق و ایالت سند در شرق. بلوچستان از یک خط ساحلی طولانی در دریای عرب در جنوب بهره می‌برد. این ایالت در غرب مرزی ۸۱۴ کیلومتری با ایران و در غرب و شمال غرب سرحدی ۱۰۹۶ کیلومتری با افغانستان دارد».^{۴۷}

<p>بلوچستان: بلوچستان جمعیتی ناهمگون دارد. این ایالت از لحاظ منابع [طبیعی] غنی است اما جمعیت کمی دارد. «حدود ۸.۵ میلیون پاکستانی که ۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، در بلوچستان زندگی می‌کنند. این ایالت خانه حدود نیم میلیون یا ۶ درصد پنجابی و درصد کمتری از گویندگان زبان اردو است. پشتونها هم حدود ۳۵ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. جمعیت قومی بلوچ حدود ۶.۸ میلیون است که از این میان ۵ میلیون آن در ایالت بلوچستان به سر می‌برند و حدود ۵۵ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. حدود ۲۷ درصد قوم بلوچ هم در خارج از این ایالت و عمدتاً در ایالت سند زندگی می‌کنند».^{۴۸}</p>	<p>شکل (۸): نقشه بلوچستان</p>  <p>منبع: www.Baluchistan.gov.pk/index.php?option=com_content&view=article&id=806</p>
--	--

⁴⁷ Vision 21 Baluchistan Problems and Solutions

سطح آموزشی

براساس آمار «تحقیقات اقتصادی» پاکستان، بلوچستان کمتر توسعه یافته و در چندین عرصه توسعه نیافته ترین ایالت این کشور است. بالاترین میزان بیسوادی هم در میان مردان و هم زنان، پایین ترین سطح برابری جنسیتی و کمترین حضور مؤسسات آموزشی خصوصی در تمام پاکستان متعلق به همین ایالت است. مناطق روستایی بلوچستان به کلی فاقد زیرساختارهای آموزشی است.⁴⁹ تنها ۵ درصد نهادهای ملی در بلوچستان قرار دارند که پایین ترین میزان را نسبت به دیگر ایالات نشان می دهد.

وضعیت صحت

یک مطالعه مشترک توسط حکومت پاکستان و بخش زنان سازمان ملل از عفونتهای شدید تنفسی و بیماریهای پوستی حکایت دارد که مخاطرات صحت عمده ای را در مناطق متأثر از سیل سال ۲۰۱۰ به وجود آورده است. زنان به دلیل اختلالات در مراقبتهای قبل و بعد از ولادت در معرض خطرات صحت بالایی قرار دارند.⁵⁰

وضعیت صحت بازتاب فقدان کلی توسعه در ایالات است و کارهایی که باید در سطح دولتی انجام شود. عوامل چندگانه ای نظیر خشکسالی، شرایط اقتصادی و ارتباطات بر زندگی ساکنان این ایالت اثرگذار است.

اقتصاد

ایالت بلوچستان بیشترین مساحت را در پاکستان دارد و موقعیت جغرافیایی آن نقش یک پل را برای رسیدن به آسیای میانه و ایران بازی می کند، در حالی که موقعیت ساحلی آن دروازه هایش را به روی تجارت جهانی می گشاید تمرکز شدید روی زراعت در مناطق روستایی باعث فقر وسیع در این ایالت شده است. بخش زراعت اساساً چندان مولد نیست و از سبک قدیمی پیروی می کند. به همین دلیل شیوه آن منسوخ و کهنه است و همین امر دلیل اصلی فقر در بلوچستان است.⁵¹ تولیدات زراعتی بلوچستان شامل گندم، جو، علوفه، تربوز، خربزه، پیاز، سیر، دانه های روغنی، سبزیجات و ترکاری، خرما، کیله، لیموی ترش، مالته، ام، میوه استوایی پاپایا، ساپودیلا، گواوا، انگور، انجیر و پسته می - شود.

⁴⁹ Sayed Fazl-e-Haider, "The Worst Statistics for Education" Dawn, 2012

⁵⁰ Op-cit Government of Balochistan and UN Women, Situation Analysis of Balochistan

⁵¹ Karimzadeh Majid, 2012, "Economy of Balochistan: Potentials and Constraints across National Boundaries", Aligarha Muslim University (Accessed on November 11th 2014

http://www.academia.edu/3859486/Economy_of_Balochistan_Potentials_and_Constraints_across_National_Boundaries)

فقر در بلوچستان، علارغم برخورداری آن از ثروت هنگفت معادن و منابع طبیعی، نسبت به هر جای دیگر پاکستان بیشتر مشهود است. حدود ۵۰ درصد جمعیت این ایالت زیرخط فقر زندگی می‌کنند. در حالی که فقر در بلوچستان یک امر بیشتر «مشترک» است، مشکل نابرابری درآمدها در عرصه نیازهای توسعه انسانی باید مورد رسیدگی قرار گیرد.^{۵۲}

منابع طبیعی

بلوچستان سرشار از منابع طبیعی است که شامل نفت و پترولیم، ذخایر عظیم ذغال‌سنگ، کرومیت، باریت، سولفور، مرمر، سنگ آهن، کوارتز، اورانیوم و سنگ آهک است و همچنین ۹۵ درصد پنبه کوهی (آزبست) جهان در این ایالت قرار دارد.^{۵۳} بلوچستان همچنین منابع طبیعی دیگری نظیر کرومیت، مس، منگنز، سرب و روی، قلع، ذخایر تنگستن مانند طلق، کربنات منیزیم، سنگهای تزئینی بویژه گرانیت و گاز طبیعی را در خود جای داده است.

امنیت

امنیت بلوچستان در معرض تهدید جنبش ملی‌گرایان بلوچ و همچنین مناقشات قومی قرار داشته و در عین حال باید یادآوری کرد که رهبری طالبان افغان در کویته استقرار دارد. «ارتش آزادیبخش بلوچ» در گذشته هر پروژه مربوط به دولت مرکزی را مورد حمله قرار داده است. به عنوان مثال، بین سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ تعداد ۲۱۸ حمله تنها بر خطوط لوله گاز در بلوچستان صورت گرفته است.

زیرساختارها

بلوچستان به عنوان یکی از بزرگترین ایالت‌های پاکستان از زیرساختارهای چندانی برای مردمش برخوردار نیست در حالی که پروژه‌های عظیم بنادر گوادر و میرقاسم رو به توسعه بوده است. بندر گوادر باعث توسعه چندین پروژه جدید شده که می‌تواند اقبال این ایالت را تغییر دهد و ارتباطات بیشتری با بقیه کشور و مراکز شهری فراهم کند. «ساخت این بندر باعث تشویق راه‌اندازی پروژه‌های زیرساختاری عمده دیگر نیز در این منطقه شده است که شاهراه ساحلی ۷۰۰ کیلومتری مکرون نیز از آن جمله است. این جاده کراچی را با چندین بندر در امتداد ساحل به شمول اوماره، پسنی و گوادر وصل می‌کند. این شاهراه طول سفر به کراچی را از ۴۸ ساعت به تنها هفت ساعت کاهش می‌دهد. دیگر پروژه‌های جاده‌ای شامل جاده گوادر-کویته-چمن می‌شود که قرار بود تا سال ۲۰۰۶ تکمیل شود و جاده‌ای است که به شهر خوزدر در شرق بلوچستان وصل می‌شود. همچنین طرحهایی برای ساخت ترمینال کشتیهای مسافری وجود دارد.^{۵۴}

⁵² Op-cit "The Worst Statistics for Education

⁵³ Alok Bansal, "Factors leading to insurgency in Balochistan," Small Wars & Insurgencies, 19:2, (2008)

⁵⁴ Op-cit Karimzadeh Majid, 2012, "Economy of Balochistan: Potentials and Constraints across National Boundaries

پنجاب

پنجاب پر جمعیت‌ترین ایالت پاکستان و در عین حال صنعتی‌ترین آن است که شامل ۲۰ شهر صنعتی تثبیت‌شده می‌شود.

پنجاب: این ایالت ۹۴ میلیون نفر را در خود جای داده و پرجمعیت‌ترین ایالت پاکستان است که به طور سنتی مرکز ثقل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را تشکیل داده است.^{۵۵} پنجاب ۱۴۷ کرسی در پارلمان ملی دارد که عملاً بیش از نیمی از کرسیهای آن را شامل می‌شود. تراکم جمعیت آن ۲۵۸.۵ نفر در هر کیلومتر مربع است که از سال ۱۹۹۸ بالاترین تراکم جمعیت در پاکستان به شمار می‌رود.

سطح آموزشی: باسوادی در ایالت پنجاب در مقایسه با دیگر ولایات بالاست و مراکز شهری زیادی در این ایالت قرار دارد.

وضعیت صحتی: عوارغم شبکه وسیع تسهیلات صحتی، وضعیت صحتی ساکنان این ایالت کمتر از سطح مطلوب است. میزان مرگ و میر نوزادان ۷۷ درصد میزان تولد است. میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال ۱۱۲ در هر ۱۰۰۰ تولد است. میزان مرگ و میر مادران در هنگام وضع حمل ۳۰۰ نفر در هر ۱۰۰۰۰۰ برآورد شده که از رقم ملی ۳۵۰ نفر کمتر است و میزان کلی باروری ۴.۷ تخمین شده است. در همین حال، ۹۲ درصد جمعیت این ایالت به آب آشامیدنی سالم و ۵۸ درصد به وسایل صحتی دسترسی دارند»^{۵۶}

شکل (۹): نقشه پنجاب



منبع: <https://www.aei.org/publication/could-the-taliban-take-over-pakistans-punjab-province/>

⁵⁵ Majidyar K. Ahmad, 'Could the Taliban Take Over Pakistan's Punjab Province' American Enterprise Institute Dated July 17th 2010

⁵⁶ http://health.punjab.gov.pk/?q=Punjab_Health_Profile (Accessed on May 23rd 2015)

اقتصاد و زیر ساختار ها:

پنجاب تأسیسات صنعتی زیادی را در خود جای داده است. صنعت نساجی، چرم و صنایع کالاهای سبک نمونه‌های مهم آن است. «پنجاب بیش از ۵۸ هزار واحد صنعتی دارد، و صنایع کوچک و روستایی در آن فراوان است و تعداد آنها به ۳۹۰۳۳ می‌رسد»^{۵۷}. این ایالت همچنین بیش از ۶۸ درصد مصرف سالیانه غلات خوراکی را تولید می‌کند. سهم پنجاب در تولید ناخالص ملی ۶۵ درصد است و بیش از ۶۰ واحد صنعتی ملی در آن فعالیت می‌کنند^{۵۸}.

در حال حاضر تمام پاکستان از کمبود انرژی رنج می‌برد و این امر بر رشد صنعتی و کسب و کارهای جدید اثر گذاشته است. اثرات بحران انرژی برای اقتصاد و صنعت در پنجاب جدی بوده است. این ایالت ۶۲ تا ۶۸ درصد مجموع برق ملی را مصرف می‌کند و در حال حاضر حدود ۳۳۰۰ مگاوات برق کمبود دارد:

- شرکت خط لوله گاز سوی ۷۰۰ میلیون فوت مکعب گاز در روز کمبود دارد.
- ایستگاه‌های [گاز] سی.ان.جی سه روز در هفته در تمام ایالت بسته‌اند.
- ۶ تا ۱۸ ساعت اختلال در جریان برق طی ساعات پرمصرف اکنون در مناطق شهری و روستایی به امری عادی بدل شده است.
- کمبود شدید گاز

به گفته مقامات حکومت ایالتی، بحران انرژی اثرات شدیدی ورای اقتصاد داشته است. صنایع زیادی ممکن است در صورت ادامه مشکل تأمین گاز فعالیت خود را به جای دیگری منتقل کنند. نساجی به دلیل کمبود گاز ۲۵ درصد کاهش تولید داشته است و صدها هزار کارگر در نتیجه چنین وضعیتی بیکار شده‌اند.^{۵۹} بحران انرژی و بویژه کمبود گاز ممکن است فعالیت صنایع را در این ایالت متوقف سازد. این امر به نوبه خود ممکن است به افزایش جرایم اقتصادی در نتیجه بیکاری بیانجامد. این ایالت که بیشترین جمعیت و بالاترین سهم را در تولید ناخالص ملی دارد، مناطق صنعتی زیادی را در خود جای داده و بیش از نیمی از تولید گاز کشور را مصرف می‌کند، نیازمند انرژی و گاز بیشتر است و این امر احتمال دارد عواقب داخلی برای کشور و سیاست توزیع آن داشته باشد.

امنیت

پنجاب از نظر تاریخی به عنوان بستری برای پرورش گروه‌های مسلح غیردولتی در گذشته مورد استفاده قرار گرفته و اغلب این گروه‌ها در کشمیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.^{۶۰} شبه نظامیان پنجاب در افغانستان جنگیده‌اند و طی حملات امریکا در سال ۲۰۰۱ هزاران تن از آنان کشته شده‌اند. برخی از این شبه نظامیان آبدیده شده در جنگ به پنجاب بازگشته و پایگاه‌هایی در جنوب ایجاد کرده‌اند. مناطق روستایی جنوب پنجاب نقش پناهگاه و نیز پایگاه‌های آموزشی

⁵⁷ Profile of Punjab as maintained SMEDA(as accessed on November 11th 2014

http://www.smeda.org/index.php?option=com_content&view=article&id=69:punjab&catid=44&Itemid=174)

⁵⁸ Energy Department Government of Punjab (Accessed on November 13th 2014

http://energy.punjab.gov.pk/punjab_energy_scenario.html)

⁵⁹ Op-cit Energy Department Government of Punjab

⁶⁰ Op-cit Majidyar K. Ahmad, 'Could the Taliban Take Over Pakistan's Punjab Province'

را هم برای گروه‌های پنجابی ممنوع‌الفعالیت و هم برای جنگجویان القاعده که از مناطق قبایلی تحت اداره حکومت فدرال می‌گریزند، داشته‌است.^{۶۱}

در این اواخر حضور روزافزون ستیزه‌جویان در عمق مناطق جنوب پنجاب در مرز آن با ایالت خیبر پختونخواه احساس شده است. نفوذ طالبان همچنین در منطقه بهاول‌پور، مقر حزب جی.ای.ام، روبه افزایش بوده است. در زمان حملات یازدهم سپتامبر، ۱۵ تا ۲۰ هزار ستیزه‌جوی آموزش‌دیده در این منطقه حضور داشته‌اند.^{۶۲} این گروه‌ها و شبکه‌های مسلح ممکن است پروژه‌های انکشافی را در منطقه تهدید می‌کنند و بعید است پروژه تاپی یک استثنا باشد.

^{۶۱} همان

^{۶۲} Op-cit, Majidyar K. Ahmad, 'Could the Taliban Take Over Pakistan's Punjab Province

فرصتهای ناشی از اجرای پروژه تاپی

ساخت خط لوله گاز تاپی ممکن است اثرگذاریهایی را به دنبال داشته باشد. فرصتهای اقتصادی، توجه به زیرساختارها و امنیت بیشتر همه زمینه‌هایی را برای انکشاف فراگیرتر در مناطق روستایی افغانستان به وجود خواهد آورد. مسیر خط لوله تاپی از طریق مناطقی از افغانستان به شکل مستقیم و غیرمستقیم فرصتهایی را برای دولت در جهت دسترسی به مناطق دوردست و جوامع روستایی و همچنین توجه به امور آموزشی و صحتی آنها ایجاد خواهد کرد. امری که به بهبود امنیت و سرمایه‌گذاری بیشتر برای آینده آنان خواهد انجامید. مردمان این مناطق به جوامع بزرگتر پیوند خواهند خورد و مراودات تدریجاً به شهری شدن آنها کمک خواهد کرد. تکنولوژی و فناوری ارتباطی ممکن است عوامل نیرومندتری برای تغییر دیدگاهها و تبادل فرهنگی و در نتیجه تغییرات آرام و آگاهانه به وجود بیاورد. لازم به ذکر است که افغانستان یک طرح ملی برای گاز پروژه تاپی ندارد و ضرورت دارد تا به صورت فوری مطالعاتی پیرامون نیاز به گاز و هدف از آن انجام شود.^{۶۳} مندرخیل رییس سابق شرکت گاز افغانستان که چهل سال در این عرصه کار کرده می‌گوید: «ما در سال ۱۹۷۷ که انکشاف چندانی صورت نگرفته بود، برنامه‌ای برای مصرف داخلی گاز داشتیم اما امروزه که از سرمایه عظیم انسانی و آموزش بهتری برخورداریم، هنوز پلان و طرحی در این باره نداریم. ما به سوی نفع فردی و سپس گروهی کشانده می‌شویم و به همین دلیل عقب افتاده‌ایم».^{۶۴} به نظر جلیل جمرانی رییس سابق اداره پترولیم افغانستان، «بهترین گزینه برای افغانستان این است که روی ذخایر خود کار کند و گاز خود را استخراج کند. پروژه‌هایی مانند تاپی به زمان زیادی نیاز دارد، بخصوص از این نظر که بین دو منطقه قرار دارد. آسیای مرکزی و جنوب آسیا تفاوت‌های فرهنگی زیادی دارند و زمانی که آسیای مرکزی تحت نفوذ روسیه بود، جنوب آسیا زیر تأثیر نظام انگلیس قرار داشت. افغانستان گاز کافی دارد و اگر حکومت برای استخراج گاز تلاش کند، امکان دارد فرصتی برای فروش آن به جنوب آسیا به دست آید».^{۶۵}

آموزش و دسترسی به اطلاعات جمعیت روستایی را قادر خواهد ساخت تا در گفتمان توسعه و حکومتداری مشارکت کنند. افزایش آگاهی مردم محلی اجتناب‌ناپذیر است، چرا که آنان با فرهنگ و ادبیات تازه‌ای تماس برقرار می‌کنند و به همین دلیل تغییر می‌پذیرند. آموزش زنان که کلیدی برای کاهش فقر و توسعه اقتصادی قلمداد شده نیز بهبود خواهد یافت.

جامعه مدنی به عنوان بازیگران مهمی در چنین محیطی شگوفا خواهد شد تا پلی ارتباطی بین دولت و مردم باشد، برای ایجاد توازن در مناسبات بین آنان و اطمینان از این بابت فشار وارد کند و به صورت پیوسته سعی ورزد تا رفتار نیروهای دخیل را تصحیح کند. ساخت خط لوله تاپی به تقویت جامعه مدنی کمک خواهد کرد تا پیرامون مسایل مختلف نظیر

^{۶۳} مصاحبه با مندرخیل رییس سابق افغان گاز، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴.

^{۶۴} همان

^{۶۵} جلیل جمرانی، رییس سابق اداره پترولیم افغانستان، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴.

اثرگذار بهای اجتماعی و محیط زیستی، مزایای محلی، امنیت، انکشاف مسئله جندر و جنسیت، حکومتداری، قدرت‌دهی و توسعه اقتصادی نقش بازی کند.

خط لوله گاز با خود فرصتهایی را برای کشورهای دخیل در اشکال و درجات مختلف و بسته به توانایی جوامع مسیر در استفاده از آنها به وجود می‌آورد. حکومتها در بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند تا به یک بسته کلان اقتصادی در نتیجه این معامله دست یابند. برخی از مزایای آن ممکن است پولی و برخی دیگر غیرپولی باشد؛ و همچنین در بعضی موارد اثرات فوری را شاهد باشیم در حالی در موارد دیگر تغییرات در درازمدت در مسیر این پروژه شکل بگیرد. اثرات بسته به مناطق تفاوت می‌کند و این امر اهمیت دیگر متغیرهای اثرگذار بر نتایج و تغییرات حاصل از آن را برجسته می‌سازد. اثرات اقتصادی و غیراقتصادی تاپی ممکن است با آغاز اجرای پروژه قابل اندازه‌گیری باشد، باین وجود مطالعه حاضر اثرات آن را با توجه به نتایج پروژه‌های مشابه خط لوله گاز در دیگر نقاط جهان استنتاج می‌کند.

برخی از کارشناسان برجسته در منطقه نسبت به این پروژه ابراز خوشحالی کرده و آن را فرصتی برای توسعه و انکشاف منطقه خوانده‌اند. راها کمار رییس «دهلی پالیسی گروپ» به عنوان یک صاحب نظر عمده مسایل امنیتی بر این باور است که نفع اصلی تاپی آوردن انرژی برای منطقه‌ای تشنه انرژی است.^{۶۶} اکرام، تحلیلگر برجسته امنیتی که به طور منظم در مورد مسایل منطقه می‌نویسد، تصور می‌کند که تاپی گاز را به ارمغان می‌آورد، یعنی کالایی که افغانستان و پاکستان هر دو به آن نیاز دارند.^{۶۷} به این ترتیب، فرصتهای بیشتری برای رشد وجود خواهد داشت که فرصتهای اقتصادی بسیار مهم است.

^{۶۶} رادها کمار، رییس «گروپ پالیسی دهلی»، ۱۳ دسمبر ۲۰۱۴

^{۶۷} مصاحبه با اکرام سهگل، تحلیلگر و رییس «Pathfinder Group» ۱۸ دسمبر ۲۰۱۴

اقتصاد

بسته اقتصادی عاملی است که مشوقهایی را برای کشورهای دخیل در پروژه خط لوله گاز تاپی فراهم کرده است. این پروژه مطمئناً فرصتهای اقتصادی بیشتری فراتر از دریافت گاز و فیس انتقال آن دارد. پروژه تاپی فرصتهای متعددی هم برای افغانستان و هم پاکستان در عرصه‌های توسعه و امنیت منطقه فراهم می‌کند. برخی از این فرصتها در زیر بررسی شده‌اند:

اشتغال

خطوط لوله گاز فرصتهای شغلی را در دوره ساخت و همچنین مرحله انتقال فراهم می‌آورند. شغلهایی با معاش بالا در عرصه‌های انجینیری، معماری، امور اداری، لجستیک و تدارکات، و امنیتی فراهم می‌شود که جوامع محلی می‌توانند از آنها بهره‌مند شوند. برخی از فعالیتهای عمرانی نیازمند کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر هستند که می‌توانند در زمینه‌های حمل و نقل، حفاری و کارگذاری خط لوله دست به کار فیزیکی بزنند. شغل‌های جنبی و غیرمستقیم نیز در اثر اجرای این پروژه ایجاد می‌شود. این پروژه سهولتهای مهمی برای شهروندان ایجاد می‌کند و دولتهای پاسخگو و سیاستمداران محتاط و دقیق می‌توانند به فرصتهای کاری به عنوان یکی از دستاوردهای مهم برای کشور اشاره کنند. برخی از فعالیتهای مرحله ساخت خط لوله به قرار زیرند:

- ۱) تحقیقات اولیه و رفع معضلات قانونی عبور خط لوله
- ۲) آمادگیهای برای رسیدگی به حق قانونی عبور خط لوله
- ۳) کشیدن و حمل و نقل لوله گاز
- ۴) خم کردن لوله
- ۵) جوشکاری و لحیم کردن
- ۶) حفاری مسیر
- ۷) پایین آوردن لوله
- ۸) نصب نلها و اتصالات ویژه
- ۹) نقاط تقاطع در مسیر
- ۱۰) پرکردن حفاریها
- ۱۱) آزمایش
- ۱۲) پاکسازی محل

- ۱۳) مشوره‌های محلی، هماهنگ کننده امور اجتماعی-اقتصادی، هماهنگ کننده مراودات فرهنگی، مشاوران استخدام و امور آموزشی
- ۱۴) کارشناسان محیط زیست
- ۱۵) متخصصان منابع تجدیدپذیر
- ۱۶) کارشناسان حیات وحش
- ۱۷) متخصصان کامپیوتر
- ۱۸) مکانیک

ساخت خط لوله

طول خط لوله تاپی بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر است که چهار کشور را در جنوب و مرکز آسیا به هم وصل می‌کند. این خط لوله از مسیر صحراها، کوهها و زمینهای مسطحی عبور می‌کند که ساخت آن را دشوار می‌سازد. علاوه بر این، هر کشوری سهم خود را از گاز در نقاط معینی از خاک خود دریافت می‌کند. این اقدام مستلزم یک تکنولوژی و فناوری پیچیده است که چگونه گاز را از خط لوله دریافت و به خطوط لوله توزیع هدایت کند. این امر فرصتهایی را برای شرکتهای عمرانی در سراسر این چهار کشور فراهم می‌سازد. تصاویر پایین سیستم لوله پیچیده‌ای را که برای دریافت گاز ساخته شده، نشان می‌دهد:

شکل (۱۰) ایستگاه دریافت گاز از لوله اصلی



منبع: <http://www.ingworldnews.com/poland-ec-confirms-funding-for-more-pipelines/>

شکل (۱۱): ساخت خط لوله



منبع: <http://www.intrakat.gr/en/activities/construction-of-the-komotini-alexandroupoli-natural-gas-pipeline-2/>

اجرای چنین طرحی زمینه اشتغال چند ماهه را برای مردم محل در مسیر خط لوله ایجاد می‌کند و مطمئناً درآمد زیادی را برای اقتصاد محلی در طول دوران ساخت به ارمغان می‌آورد.

انجام کار در اغلب این عرصه‌ها مستلزم برنامه‌ریزی موفقیت آمیز خط لوله است. فرصتهای استخدام برای انتقال لوله‌ها، حفر مسیر، لحیم‌کاری، پایین آوردن لوله‌ها و پاک‌کاری کوتاه مدت است اما نیروهای زیادی باید به کار گرفته شوند. این امر فرصتهای خوبی برای نیروی کار محلی در افغانستان و پاکستان ایجاد می‌کند. ممکن است هزاران تن استخدام شوند، اما برآورد واقع‌بینانه فرصتهای شغلی پس از مطالعه جنبه‌های عملی و مسیر خط لوله مقدور است.

تقاضا برای کالا و خدمات

کار روی خط لوله تقاضای کوتاه مدتی برای برخی از مواد نظیر ریگ، سمنت، اقلام غذایی و دارویی، خدمات مکانیکی، پرزه‌جات، خدمات ترانسپورتی و نظایر آن ایجاد خواهد کرد. صنعت ساخت و معماری که پس از سال ۲۰۰۱ در افغانستان موقعیت پیدا کرد، تحت تسلط قراردادهای خارجی بوده که ثمره اصلی هر قراردادی را چشیدند و کارهای بی‌ارزش را به افراد محلی واگذار کردند. اجرای قراردادهای محلی ۵ تا ۶ بار دست به دست شد تا به طرفهای محلی رسید.

پروژه تاپی یکی دیگر از فرصتهای ساخت و ساز محدود است که مردم محلی می‌توانند از آن بهره‌ببرند. افراد محلی می‌توانند برخی از کالاها و خدمات مورد نیاز مجریان محلی پروژه را عرضه کنند. شرکتهای سازنده خط لوله در محل

مختلف اجرای آن نیازمند تسهیلات اقامتی هستند. آنان شماری از افراد فنی و متخصص را در جریان انجام مطالعات جنبه عملی پروژه، طی طراحی نقشه و انجام کار استخدام خواهند کرد. به این ترتیب صنعت هتلداری نیز تاحدودی ترویج خواهد شد.

این امر سهم مردمان محلی را در پروژه بالا خواهد برد و زمینه‌ای را برای اخذ «مجوز اجتماعی» برای اجرا و فعالیت خط لوله مساعد خواهد ساخت.

صنعتی سازی

خط لوله گاز تاپی ممکن است پتانسیل صنعتی منطقه را از قید رها سازد. ولایات واقع در مسیر این خط لوله زمینه‌های مادی صنعتی شدن را دارا هستند. به عنوان مثال، هرات نفت خام، طلا، مس، آهن، ذغال سنگ، مرمر و دیگر منابع طبیعی دارد. علاوه بر این، افغانستان ۲۰ درصد گاز قابل انتقال از طریق تاپی را براساس توافقات کمایی خواهد کرد. اگرچه حجم این گاز خیلی زیاد نیست، افغانستان می‌تواند از آن برای کمک به صنعتی شدن برخی ولایات که از زیربناهای لازم برخوردارند، استفاده کند. هرات و هلمند دو ولایتی هستند که ایستگاههای دریافت گاز می‌توانند در آنها ایجاد شوند. از این گاز برای تولید برق و یا کاربردهای صنعتی دیگر برای تسریع رشد صنایع بومی استفاده خواهد شد. با این وجود، فراهم‌سازی شرایط امنیتی خط لوله که آن را از حمله و یا کنترل طالبان محافظت کند، اهمیتی حیاتی دارد.

پاکستان به نظر اکرام سهگل در نظر دارد شبکه توزیع گاز را به سمت ایالت خیبرپختونخواه و سوات گسترش دهد و فرصتهایی را برای صنعتی شدن این مناطق فراهم سازد.^{۶۸} تاپی اثرات عظیم چندجانبه‌ای بری رشد صنعتی منطقه دارد و مشوقهایی را برای ایجاد زیربناهای اقتصادی و تأمین امنیت منطقه برای کمک به کسب و کار مربوط به فعالیت این پروژه فراهم می‌کند. این پروژه به همگرایی مردمانی که در پیرامون زندگی می‌کنند و یا احساس می‌کنند به حاشیه رانده شده‌اند، از طریق ورود آنها به یک چرخه مولد اقتصادی، کمک می‌کند.

زیرساختارها

صاحبان کار و سرمایه‌گذاران در محاسبات خود زیربناهای اقتصادی را نیز در کنار دیگر مسایل مورد ملاحظه قرار می‌دهند. زیربناهای کافی در یک منطقه سرمایه‌گذاران را بیشتر دلگرم می‌کند که به پروژه علاقه نشان دهند، چرا که زیرساختارها نقش مهمی در هزینه تولید و رساندن آن به یک بازار بزرگ دارند.

⁶⁸ Op-cit Ikram Sehgal

جاده‌ها:

همان گونه که گفته شد، خط لوله تاپی از صحراها، میان آبها و کوهستانها عبور می‌کند و از این رو، دسترسی به مسیر آن از طریق جاده به منظور کارگذاری آن و در صورت بروز حادثه برای خط لوله اهمیت دارد. تاپی ممکن است باعث شود که دولت‌ها در نزدیکی مسیر آن چند هزار کیلومتر جاده بسازند و روستاها و ولسوالیها را به مراکز ولایتی وصل سازند و از فرصتهای موجود در این نقاط سود ببرند. این امر فرصتهایی را برای سفر و نقل و انتقال مردمان محلی و یافتن زمینه‌های جدید فراهم می‌سازد. این جاده‌ها فرصتهایی را برای دیگر سرمایه‌گذاران نیز به وجود می‌آورد تا در زمینه تجارت و تولید محلی سرمایه‌گذاری کنند و محصولات محلی را به بازارهای دوردست انتقال دهند. جاده کلید توسعه و انکشاف هستند چرا که دسترسی به مناطق دوردست را برای دولت، شناخت مردمان و وارد کردن آنها در مسیر «تولید و سودمندی» و «نوگرایی» فراهم می‌سازد. جاده‌ها امنیت بیشتری برای جمعیت روستایی فراهم می‌سازند، و ممکن است فرصتهایی را برای ارائه خدمات بهتر اقتصادی، آموزشی و عمومی به وجود آورند.

برق

خط لوله تاپی دست کم در مسیر خود نیازمند برق است. ایستگاههای دریافت گاز به برق بیشتری نیازمندند. کشورهای دخیل امکان می‌یابند برق بیشتری تولید کنند تا نه تنها نیازمندیهای این پروژه را تأمین کنند بلکه برای فعالیتهای بالقوه اقتصادی و جوامع واقع در مسیر نیز فرصت تازه‌ای فراهم کنند. برق و تکنولوژی اطلاعاتی تماس بین مرکز و پیرامون را افزایش داده و کارایی و مولدیت اقتصادی را نیز بهبود بخشیده است. این امر زمینه بازخورد بیشتر سیاست‌گذاران را نیز هموار می‌سازد تا به نیازهای مردمان محلی پاسخ بدهند. این شرایط ممکن است زمینه را برای ایفای نقش فعالانه‌تر مردمان محلی در جهت مشارکت در توسعه و بهبود حکومتمداری مناطق خود و پیرامون آن هموار سازد..

ثبات

اجرای خط لوله گاز تاپی با عوامل ثبات‌بخش و نیرومند معینی همراه است. فرصتهای اقتصادی همچنین فضایی را برای توسعه ایجاد خواهد کرد و گزینه‌های بیشتری پیش روی شهروندان خواهد گذاشت. این نخستین قدم در جهت اشتغال و امنیت مردمان مناطق است که ممکن است «رهایبی از ترس و خواسته‌ها» را به ارمغان آورد. این خط لوله در صوت کارگذاری فضاهای بسیاری را برای کشورهای دخیل به نفع شهروندان و تعامل سازنده با آنان به وجود می‌آورد. بسیاری از مناطق واقع در مسیر ناآرامند و به سبب ترکیبی از عوامل به مناقشه کشانده شده‌اند و دلایل اقتصادی نیز در این رابطه نقشی اولیه دارند. پروژه تاپی در کنار ایجاد فرصتهای چندگانه برای فعالیتهای اقتصادی دلیل مشروع و تسهیلات لازم در اختیار دولت‌ها برای تأمین امنیت تأسیسات ایجاد می‌کند و آنان را در تعامل با توده‌های مردم قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است که افغانستان به آرامی از مناقشات طولانی که بیش از سه دهه طول کشید، سربرمی‌آورد. مناقشاتی که به نابودی نهادهای دولتی و دیگر ساختارهای اجتماعی منجر شد. فقدان این نهادها به کاهش مشارکت شهروندان در امر حکومتداری منجر شد و دولت در حال حاضر تلاش دارد تا وفاداری شهروندان را جلب کند. ممکن است دهه‌ها کار دشوار در پیش رو باشد تا حکومت بتواند در میان قسمت عمده جمعیت روستایی جای پا باز کند اما تاپی و پروژه‌هایی مانند آن فرصتهایی را برای تعامل با مردم فراهم کرده و منافعی برای شهروندان در ازای اعتماد و وفاداری‌شان ارائه می‌کند.

ساخت خط لوله تاپی نیازمند بسیج بسیاری چیزهاست و زمینه طرح بسیاری از معیارها و سیاستهای بین المللی را فراهم می‌سازد تا حکومت و شهروندان به صورت مشترک برای مزایا و منافع آن با هم گفتگو کنند. چنین تعاملی برای منافع بزرگتر ناشی از کشیدن موفقیت‌آمیز خط لوله، جوانب مختلف را به سمتی خواهد کشاند که روی یک وضعیت برد-برد از طریق گفتگو و توسل به ابزارهای صلح‌آمیز با هم گفتگو کنند. به عنوان مثال مطالعه جامع جنبه عملی این خط لوله، ارزیابی اثرات محیط زیستی و اجتماعی را به دنبال دارد. در اثر این مطالعات اثرات عمده این پروژه مشخص خواهد شد و از اثرات معکوس و منفی آن از طریق توسل به مکانیسمی که با معیارهای پذیرفته‌شده بین المللی مطابقت دارد، جلوگیری خواهد شد و یا این اثرات کاهش خواهد یافت. این فعالیتها چه‌بسا به دادن جنبه اجتماعی بیشتر به قوانین و معیارهای داخلی و بین المللی منجر خواهد شد، مناسبات نزدیکتری میان سهامداران ایجاد خواهد کرد و به این ترتیب ممکن است در وفاداری شهروندان به حکومت خود تغییراتی به وجود بیاورد. نتیجه این امر شاید حکومتداری بهتر باشد، چرا که آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود و تعهدات حکومت باعث می‌شود تا آنان حکومت را حسابده و پاسخگو بخواهند. باید گفت که مردمانی که به آموزش و فرصتهای اقتصادی دسترسی دارند، از حقوق مدنی و سیاسی خود به شکل بهتر و هماهنگ استفاده می‌کنند.

مسیر کنونی پروژه تاپی نشان می‌دهد که این خط لوله از طریق روستاهای دورافتاده در جنوب و غرب کشور عبور می‌کند و شاید لازم باشد برای مصون ماندن آن از حملات احتمالی به مکانیسمهای واضح و پیچیده توسل جست. حکومت افغانستان در محاسبات خود برای تأمین امنیت خط لوله ممکن است جمعیت منطقه را در مسیر آن مورد توجه قرار داده و روی طرحها و استراتژیهای کارکرده باشد که آنان را ذینفع سازد. طرحهای امنیتی برای خط لوله مستلزم حضور دولت در این مناطق ناامن است تا مصونیت خط لوله‌ای را که فرصتهای مساعد به وجود می‌آورد، تأمین گردد.

اکثریت جمعیت روستایی از تسهیلات آموزشی، شفاخانه و دسترسی به آب نوشیدنی برخوردار نیستند و برای رسیدن به مراکز شهری با دشواریهایی روبرویند. خط لوله تاپی مکاتب، کلینیک و بازارهای بیشتری برای مردم به ارمغان می‌آورد و حکومت می‌تواند از این فرصت در نواحی امن استفاده کند تا کلینک، شفاخانه و جاده بسازد و به این ترتیب گزینه‌ها و تسهیلات محلی را گسترش دهد. فراهم‌سازی خدمات به شکلی عادلانه برای مردم نشانه دیگری برای یک دولت پاسخگو و مشروع است؛ و این امر تدریجاً مناسبات حکومت-شهروندان را تقویت خواهد کرد. بهبود روابط میان حکومت و شهروندان اثرات مستقیمی بر امنیت داخلی دارد و در نتیجه بازیگران مسلح غیردولتی قادر نخواهند بود پروژه‌ای را که مردم طرفدار آنند، مورد تهدید قرار دهند. افراد دخیل در توسعه و امنیت در افغانستان خواهند دید که پروژه مزایای ملموس و غیرملموسی را دربردارد. وحید طاقت عضو پیشین پارلمان و کارشناس امنیتی می‌گوید: «افغانستان منافع زیادی را از بابت این خط لوله نظیر گاز، حق العبور، اشتغال، امنیت و همگرایی نصیب خواهد شد. گاز باعث مصونیت مصرف‌کنندگان افغان علیه مافیای داخلی گاز خواهد شد».^{۶۹} توافق بین افغانستان، پاکستان و هند ممکن است رهبری این کشورها را به نقاط مشترک مورد علاقه برساند و به تقویت راه‌حلهایی برای ثبات افغانستان بیانجامد. غفور لیوال رییس مرکز مطالعات منطقه‌ای بر این باور است که تحقق پروژه تاپی می‌تواند امنیت را به منطقه بیاورد. هماهنگی برای اجرای پروژه تاپی با امضای توافق دوجانبه امنیتی بین امریکا و افغانستان بهبود یافته و حمایت سیاسی بین المللی بیشتری به دست آمده است.^{۷۰} همگرایی با پاکستان از طریق پروژه‌های اقتصادی تاپی و کاسا ۱۰۰۰ (پروژه انتقال برق از آسیای مرکزی به جنوب آسیا) که نفع دوجانبه می‌رساند، قدمی مثبتی در همین جهت است. لطف الله صافی پروفیسور پوهنتون کابل می‌گوید که همگرایی از طریق پروژه تاپی، پاکستان و افغانستان را تشویق خواهد کرد تا برای امنیت پروژه با هم کار کنند.^{۷۱}

^{۶۹} مصاحبه با وحید طاقت نماینده سابق پارلمان افغانستان و کارشناس امور امنیتی، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۴

^{۷۰} مصاحبه با غفور لیوال، رییس مرکز مطالعات منطقه‌ای، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۴

^{۷۱} مصاحبه با پروفیسر لطف الله صافی، استاد پوهنتون کابل، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۴

مکانیسم امنیتی تاپی شامل بحث درباره بلوچستان نیز می‌شود. حکومت پاکستان ممکن است به تاپی به عنوان بسته‌ای از فرصت‌ها بنگرد تا بلوچ‌های نومید [از حکومت مرکزی] را در قضیه دخیل سازد و به آنها کمک کند که از این شانس برای توسعه و انکشاف در منطقه بهره ببرند. شاید لازم باشد پاکستان روند توسعه را طراحی کند تا به نیازهای بلوچ‌ها به منظور ترفیع جایگاه اجتماعی و اقتصادی‌شان پاسخ داده شود.

تاپی مستلزم بحث بر سر امنیت جمعی است که اطراف مسئله خط لوله دور می‌زند و بنابراین بحث میان کشورهای دخیل در مورد چگونگی برخورد با مسایل امنیتی منوط می‌شود تا همکاری و حس تعلق به یک منطقه را برانگیزد، اگرچه از سوی دیگر ممکن است دخالت در قلمرو اقتدار یک کشور تلقی شود.

نقش همگرایانه تاپی

سارک یا سازمان همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا (SAARC)، نهاد منطقه‌ای متشکل از هشت کشور پیشرفت چندانی نداشته چرا که هند و پاکستان به عنوان اعضای آن باهم اختلافات ارضی طولانی دارند. ضرورت دارد سارک اقدامات پراکنده خود را هماهنگ سازد تا زمینه رشد آن فراهم شود و با سایر مجامع منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا، آ.سه.آن (اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا) و اتحادیه آفریقا رقابت کند. خط لوله گاز تاپی از این پتانسیل برخوردار است که باعث همگرایی منطقه شود، چنانکه «شورای نفت آ.سه.آن» (ASCOPE)^{۷۲} در راستای اهداف مجمع (آ.سه.آن) خط لوله گاز ترانس-آ.سه.آن (TAGP) را دنبال کرده و ساخت. این خط لوله یک شبکه عظیم انرژی است که از «دیدگاه آ.سه.آن ۲۰۲۰» مایه گرفت و بازارهای منطقه را به یکدیگر وصل می‌کند. اهداف شورای نفت آ.سه.آن ترویج همکاری فعال در زمینه توسعه نفت، بهره‌برداری از آن، همکاری با یکدیگر در عرصه آموزش برای استفاده از تأسیسات مربوطه، تسهیل تبادل اطلاعات و حفظ مناسبات نزدیک و سودمند عنوان شده است.^{۷۳} نیروی ویژه اجرای پروژه تگپ (TAGP) برای حفظ اطمینان نسبت به اجرای پروژه از طریق چندین «گروه کاری تخصصی» کار کرده تا چالش‌های اصلی برای تحقق آن را شناسایی کند. آنها توافق کرده‌اند که روی یک رشته موضوعات کار کنند تا موانع را پیش از اجرای پروژه از سر راه بردارند. این خط لوله باعث شده که ۹ خط لوله داخلی دیگر نیز طراحی شود که به این ترتیب تمام منطقه به یک شبکه وصل خواهد شد. «پروژه تگپ (TAGP) اثرات عمده‌ای بر کشورهای عضو پیمان آ.سه.آن داشته و برخی از مزایای آن به شکل زیر خلاصه شده است:

- افزایش امنیت عرضه انرژی و ترویج تنوع انرژی به منظور کاهش وابستگی به نفت
- تبدیل ارزش اضافی منابع گاز طبیعی منطقه به پول و به حداکثر رساندن آن
- افزایش درآمد خارجی حاصل از فروش گاز کشورها
- ایجاد زیرساختارها/بازار محلی گاز و دیگر مشتقات آن برای صنعتی شدن اقتصاد منطقه
- ترویج استفاده از گاز طبیعی که سوختی سازگارتر با محیط زیست است، و
- واردکردن آن از خارج حوزه آ.سه.آن، تعدیل اثرات خارجی بی ثباتی در عرضه گاز و نوسان قیمت گاز»^{۷۴}

⁷² The ASEAN council on petroleum was established on October 15, 1975 as an instrument for regional cooperation among member countries

⁷³ International Gas Union; Gas Market Integration Task Force (Accessed on December 28th 2014, file:///C:/Users/Sayed-Jawid/Desktop/Transasean.pdf)

⁷⁴ Ibid

نامنی منطقه‌ای متأثر از چندین نقصان است که هم در داخل کشورها و هم در بیرون از مرزهای آنها قرار داشته و برخی ریشه تاریخی دارند، در حالی که بعضی دیگر در این اواخر اتفاق افتاده‌اند. پروژه تاپی پتانسیل بزرگی برای همگرایی منطقه و وارد کردن دولتها به یک شبکه انرژی دارد.

پاکستان و هند کشورهای صنعتی و در حال رشد هستند و برای رشد اقتصادی پایدار خود نیاز به انرژی دارند. رافائلو پانتوچی رییس «مرکز مطالعات امنیت بین الملل» در «موسسه خدمات متحده سلطنتی» که با مسایل منطقه آشنایی دارد و کارشناس امنیت بین الملل است، می‌گوید: «این [پروژه] در درازمدت کمک می‌کند که هر دو [کشور] به یکدیگر نزدیک شوند، چرا که فرصتهای اقتصادی آنها بیشتر از همه به یکدیگر گره خورده و این امر ممکن است سرآغازی برای تقویت روحیه همکاری باشد؛ امری که به بهبود امنیت کمک خواهد کرد»^{۷۵}. پژوهشگران پاکستانی در این باور شریکند که پروژه تاپی در افزایش همگرایی نقش دارد. رفعت الله پژوهشگر پاکستانی مستقر در پشاور بر این عقیده است که «پروژه تاپی قدمی به جلو برای همگرایی منطقه خواهد بود، اما این یک قدم واحد است و منطقه نیاز به چندین برنامه برای همگرایی دارد. به نظر می‌رسد حکومت پاکستان حاضر است با مسئله بلوچها از طریق یک مکانیسم سازنده-تر وارد شود و تاپی فرصتی برای تعریف آن فراهم می‌کند. حکومت پاکستان تلاش دارد بر معضله مردمان بلوچ فایق آید و از تقسیم کردن منافع این پروژه با مردم بلوچستان مضایقه نخواهد کرد؛ مردمانی که پشت صحنه مانده‌اند و تلاشهای زیادی باید صورت بگیرد تا بین آنان و سایر ساکنان کشور تعادل برقرار شود»^{۷۶}. خط لوله تاپی می‌تواند سرآغاز همگرایی منطقه‌ای باشد و وابستگیها می‌تواند فرصتهای تازه‌ای را برای مردم منطقه فراهم سازد و در واقع یک دوره توسعه و موفقیت آغاز شود^{۷۷}. پاکستان نیازمند انرژی است و افغانستان در مسیر آن واقع است و گاز و برق باید از مسیر آن عبور کند؛ امری که می‌تواند آغازی برای همگرایی باشد^{۷۸}.

هند آخرین کشوری است که گاز خط لوله تاپی را دریافت می‌کند و بنابراین منافع بزرگی در این پروژه و امنیت آن دارد. کشورها برای ساخت موفقیت‌آمیز و فعالیت این خط لوله باید روی مناسبات منوط به همزیستی، امنیت جمعی و ثبات مناطق واقع در مسیر آن کار کنند. کارشناسان امنیتی بر این باورند که همگرایی از طریق این پروژه ممکن است در درک روحیات دولتمردان پاکستانی نیز کمک کند، و نخبگان دولتی بر این باورند که «هند همچنان نسبت به امنیت خط لوله-ای که از پاکستان عبور می‌کند، با دیده احتیاط می‌نگرد»^{۷۹}. هندیها هنوز هم از نظر روانی نپذیرفته‌اند که سهامدار

⁷⁵ Views shared by Raffaello Puntucci Director International Security Studies at Royal United Services Institute dated November 9th 2014

⁷⁶ Interview with Akhtar, Sub-editor at The News International, November 11th 2014

⁷⁷ نقطه نظرات ارائه شده توسط رفعت الله گزارشگر نیوز اینترنشنال و محقق در پوهنتون پشاور، مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۱۴

⁷⁸ Op-cit Ikram Sehgal December 18th 2014

⁷⁹ Dadwal Roy, Shebonti, 2011, "TAPI-Still a distant dream, IDSA May 12th 2012

عمده‌ای در پروژه خط لوله خواهند بود. ایالات متحده این کشورها را تشویق کرده که در موفقیت این پروژه بکوشند. وزارت خارجه امریکا در بیانیه خود اشاره کرده که «ایالات متحده امریکا از پروژه تاپی حمایت می‌کند، چرا که ما باور داریم این پروژه عامل تغییراتی در آینده تمام منطقه خواهد بود. این پروژه حاصل تلاش واقعی بین المللی است و، اگر درست درک شود، می‌تواند نمونه مهمی از منافع ارتباط اقتصادی منطقه‌ای در سطح بزرگتر باشد».^{۸۰}

وضعیت منطقه ایجاب می‌کند که از نزدیک روی مسئله امنیت منطقه‌ای کار شود، و به این ترتیب امنیت کشورها تأمین شود؛ چرا که تهدیدها عمدتاً در منطقه ریشه دارند و ممکن است هر کشوری و تمام منطقه را متأثر سازند. در چین شرایطی اندیشه جدید شاید بتواند امنیت جمعی را امری متقابل سازد.^{۸۱} نهاد سارک (SAARC) به عنوان یک مجمع همکاری منطقه‌ای میان کشورها این زمینه را دارد که، به دلیل فوریت کار برای موفقیت پروژه تاپی، تقویت شود. صدر اعظم پاکستان برداشت خود را در این باره چنین ارائه کرد: «ما همچنین توافق کردیم که ارتباط با یکدیگر و همکاری اقتصادی منطقه‌ای، عناصر حتمی برنامه مشترک ما باشند. پروژه خط لوله همچنین هند و پاکستان را به نقطه مشترکی رساند که تأمین گاز را برای خود بررسی کنند و این مناسبات ممکن است به روابط پایدار و طولانی مبتنی بر منافع مشترک تکامل یابد. ما در نظر داریم از طریق ابتکاراتی مانند پروژه کاسا ۱۰۰۰ (طرح انتقال برق آسیای مرکزی به جنوب آسیا) و خط لوله تاپی به ایجاد دالان تجارت، انرژی و ارتباطات دست یابیم».^{۸۲}

هم ولایات مسیر خط لوله در افغانستان و هم یکی از ایالت‌های واقع در مسیر در پاکستان انواع مناقشات را تجربه کرده‌اند و از این رو، کار روی خط لوله مستلزم همکاری جدی برای تأمین امنیت منطقه است. امنیت منطقه همچنین دروازه‌ها را به روی سرمایه‌گذاری در عرصه معادن افغانستان و فرصت‌های موجود در بلوچستان باز می‌کند. چنین سرمایه‌گذاری موجب مهاجرت داخلی در درون منطقه خواهد شد و با اثرگذاری دومینوگونه صلح‌آور خواهد بود. صلح در افغانستان برای امنیت تمام منطقه مهم است و ممکن است پروژه‌های مشابه بیشتری وجود داشته باشد که بازارهای منطقه را به هم پیوند دهد.^{۸۳} راه‌آهنی که آسیای مرکزی را به جنوب آسیا وصل می‌کند، ضرورت دیگری برای تسهیل بازرگانی و مبادلات است.

هند و پاکستان به عنوان شرکای بزرگتر این پروژه باید نزدیکتر با هم کار کنند تا زمینه اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه را فراهم سازند. کار برای موفقیت تاپی میان کشورهای دخیل به همکاری منجر خواهد شد و این امر ممکن است قفل راز

⁸⁰ Press Trust of India, "US Believes TAPI Pipeline Project Can Transform the Region", (Accessed October 20th 2014)

⁸¹ Op-cit Ghafoor Lewal

⁸² اظهارات نواز شریف نخست وزیر پاکستان در جریان کنفرانس خبری مشترک با رییس جمهور غنی در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴

⁸³ McCauly, Martin, Afghanistan and Centre Asia: A Modern History of, 2002

گریزان امنیت منطقه‌ای را بگشاید. همکاری پیرامون پروژه تاپی ممکن است به این ترتیب اثرات موجی در درازمدت داشته باشد و به همکاری در دیگر بخشها نظیر تجارت، فرهنگ و مراوده مردمان منطقه بیانجامد.

تهدیدهای بالقوه همراه پروژه تاپی

تلاش پیگیر طولانی مدت قدرتهای بزرگ برای عبور خط لوله تاپی از طریق افغانستان ممکن است این تصور را به وجود آورد که سطح آرامش هند و پاکستان باید از هم تفکیک شود. پاکستان بر اساس محاسبات خود ممکن است «انحراف روافزون افغانستان به سمت مناقشات» را در محاسبات خود در نظر بگیرد و برنامه‌هایی احتمالی متناسب با این وضعیت، پیش از آن که اجازه دهد حریفش از چنین اهرم استراتژیک استفاده کند، داشته باشد. هند هم احتمالاً تصور مشابهی راجع به وضعیت دارد. وجود چنین تصویری در میان کشورهای دخیل تهدید ذهنی عمده‌ای برای این پروژه، در کنار تهدیدهای فیزیکی است که ممکن است پروژه برهم بخورد و نیز تهدیدهای موجود برای پروژه که در بخش بعدی مورد بحث خواهد بود.

پروژه تاپی همراه خود تهدیدهایی را برای جوامع واقع در مسیرش و همچنین محیط زیست به همراه دارد. خطوط لوله طی مراحل ساخت و فعالیت نیازمند جابجایی ماشین‌آلات و پاکسازی زمین برای حفاریات و جابجایی لوله‌هاست. باید خاطرنشان کرد که «مطالعه جنبه عملی» و «ارزیابی اثرات محیط زیستی و اجتماعی» آن ممکن است محاسبه دقیق‌تری از اثرات ساخت و فعالیت آن ارائه کند.

انتظار می‌رود فعالیتهای مربوط به جابجایی مردمان واقع در مسیر نیز پیش آید، اما این امر بستگی به طراحی نهایی پروژه دارد. ابعاد جابجایی احتمالاً بسیار اندک خواهد بود، چرا که خط لوله تکمیل شده و فعال باعث ایجاد محدودیت در استفاده از زمینهای بزرگ نمی‌شود.

اثرات منفی بالقوه پروژه ناشی از پیامدهای هجوم مردمان از دیگر نقاط کشور و از بیرون به قصد اشتغال می‌شود؛ امری که می‌تواند پویایی اجتماعی منطقه را تغییر دهد. مهاجرتها ممکن است با خود بیماری و تورم در قیمت زمین را به همراه بیاورند و رقابت بر سر منابع را افزایش دهند.

مرحله ساخت خط لوله شامل قراردادن لوله‌هاست که فعالیتهای زیر را دربر می‌گیرد:

- به دست آوردن زمین برای خط لوله و کمپهای اقامت از ساکنان محلی در صورتی که جزییات طرح شامل عبور آن از زمینهای زراعتی شود.
- پاکسازی زمین برای فعالیتهای مربوط به قراردادن خط لوله و کمپهای ساخت و ساز.

- ساخت جاده برای تسهیل فعالیتهای مربوط به ساخت و فعالیت خط لوله
- ایجاد مستراحهای قابل جابجایی برای استفاده کارگران طی مراحل ساخت
- حمل و نقل مواد از منابع و کمپهای مختلف برای ساخت خط لوله
- ساخت ایستگاههای متعدد در موقعیتهای مختلف از جمله در مسیر خط لوله^{۸۴}

ایجاد هر ایستگاه یا استیشن نیازمند تصاحب زمین است و لازم است برای خط لوله به طور کلی زمین حائلی با عرضی تا ۵۰۰ متر در نظر گرفته شود. در امتداد مسیر تاپی ایستگاههای کمپروسور هم باید ایجاد شود. فعالیتهای مربوط به پروژه اثرات عمده اجتماعی و محیط زیستی بر اطراف خود خواهد داشت.

اگر خط لوله تاپی از زمینهای مسکونی و یا زراعتی عبور کند، ممکن است پاکسازی زمینهای واقع در مسیر لازم شود که این امر مستلزم جابجایی افراد و تصاحب زمین خواهد بود. در کنار این موضوع، سطح بالای فساد در افغانستان و مسئله غصب زمین توسط چهره‌های نیرومند تهدید دیگری برای مردمان و خود این پروژه است. گزارشهایی حاکی از آن وجود دارد که صدها هزار هکتار زمین دولتی توسط جنگسالاران و چهره‌های قدرتمند سیاسی برای مقاصد شخصی و گسترش پایه قدرت اجتماعی غصب شده است.

اگر جابجایی بشری گسترده باشد، باید در فعالیتهای مربوط به خط لوله معیارهای بین المللی نیز در نظر گرفته شود. تصاحب زمین باعث جابجایی افراد و ایجاد اختلال در سبک زندگی و چرخه اقتصادی مردمان محلی می‌شود که این امر به نوبه خود اثرات معکوسی بر جوامع روستایی گذاشته و میزان آسیب‌پذیری آنها را افزایش خواهد داد. اگرچه معیارهای بین المللی برای محافظت اجتماعی و محیط زیست شیوه‌های مناسبی را پیش‌بینی می‌کند، اثرات منفی این امر نیز رد نمی‌شود. اکثر مردمان افغانستان اسناد مناسب مالکیت در اختیار ندارند و تصاحب زمین ممکن است موجب مناقشه شود.

اثرات اجتماعی خط لوله در مرحله فعالیت شاید برجسته‌تر باشد. پروژه تاپی احتمالاً نیازمند یک منطقه حایل طی فعالیتش خواهد بود و این امر شاید بر حق راه مردمان و جوامع واقع در مسیر خط لوله اثرگذار باشد و در کشوری سنتی مانند افغانستان این امر ممکن است به پارچه‌پارچه‌شدن، انزوا و دشواری دسترسی به آب و زمین زراعتی منجر شود. چنین امری احتمالاً، به دلیل آمدن افراد خارج از محیط برای ساخت پروژه، اثرات عمده‌ای بر زنان و تحرک آنها در روستا و اجتماع داشته باشد. ایجاد محدودیت بر گزینه‌های مردمان محل و در نتیجه بروز خشم آنان از عواقب احتمالی این وضعیت خواهد بود.

⁸⁴ East African Community, 'Environment and Social Impact Assessment for construction and operation of Natural Gas Pipeline From Dar-es-Salam to Tanga, Report no. P-073620-023 November 2010,

فعالیت خط لوله شاید به مهاجرت برخی از افراد تخریکی و دیگر جویندگان فرصتهای تازه بیانجامد. فرصتهای اشتغال بویژه از نظر نیاز به متخصص، افراد را از سایر جاها برای پرکردن خالیگاههای شغلی خواهد کشاند و مردمان محلی ممکن است شکایت کنند که با بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند و مورد تبعیض واقع شده‌اند. چنین تحولاتی میان مردمان محلی احتمالاً به بروز نارضایتی منجر شده و راه را برای مناقشه هموار خواهد کرد.

محیط زیست

پروژه تاپی می‌تواند به صورت بالقوه بر محیط زیست اثر بگذارد. تصاحب زمین برای خط لوله احتمالاً برخی تغییرات اساسی را به دنبال خواهد داشت. حفر زمین و ایجاد منطقه حایل برای خط لوله شاید با خود جنگل‌زدایی و پاکسازی گیاهان و در نتیجه حیوانات و چهارپایان محیط پیرامون راه، بخصوص در مجاورت و نزدیکی خط لوله، به همراه داشته باشد. ذرات گرد و غبار برخاسته از فعالیتهای ساخت و ساز می‌تواند باعث آلودگی هوا شود. احتمال سروصدا و لرزش ناشی از فعالیتهای مربوطه را نیز نباید از نظر دورداشت. این امر ممکن است به اختلال دیگر زیرساخت‌ها در مناطق مشخص بیانجامد. با این وجود، اختلال گسترده‌ای ناشی از اجرای این پروژه پیش‌بینی نشده است. همچنین احتمال آلودگی نواحی اطراف در صورت نشت و پارگی خط لوله، آتش سوزی یا انفجار لوله وجود دارد. تیم ویلیامز درباره اثرات خط لوله‌ها مطلبی نوشته و فهرست زیر را تنظیم کرده است:

- محیط زیست از لحاظ جوی: اثرگذاری روی کیفیت هوا به خاطر تولید گرد و غبار در جریان ساخت، آلودگی هوای ناشی از مصرف سوخته‌های فسیلی در تجهیزات ساخت و ساز و ایستگاه‌های پمپ (اگر برق نباشند). تصاعد گازهای گلخانه‌ای در اثر اجرای پروژه نسبت به مجموع تصاعد در سطح ملی عموماً زیاد مهم نیست.
- محیط زیست از لحاظ صوتی: افزایش سروصدا در مقایسه با صداهای زمینه در اثر فعالیتهای ساخت و فعالیت ایستگاه‌های پمپ.
- خاک: خاک ممکن است دچار فرسایش شود، فشرده یا مخلوط شود، آلوده و یا برداشته شود و با تصاعد مواد کیمیاوی محلی همراه شده و باران اسیدی به دنبال داشته باشد.
- زمین شناسی و عوارض زمین: احتمال ایجاد تغییرات زمینی که می‌تواند باعث رانش زمین شود و همچنین مخاطرات جانبی مصونیتی و محیط زیستی نظیر محل‌های زیست ماهیها.
- زتذکی گیاهی: زندگی گیاهی (از جمله جنگلهای قدیمی و گیاهان کمیاب) ممکن است در اثر تغییرات در سطح زمین، تغییر مسیر آب، ورود نمونه‌های گیاهی ناسازگار با شرایط و آلودگی هوا تحت تأثیر قرار گیرد.
- حیات وحش: از بین رفتن، تغییر و یا جداسازی محل زیست حیات وحش و همچنین سروصدا، ایجاد محدودیت برای درندگان و ایجاد حصارهایی که مانع جابجایی حیوانات شوند، همه می‌توانند مخاطراتی را برای حیات وحش به وجود بیاورند.
- منابع آبهای سطحی: کیفیت آب و مقدار آن ممکن است در اثر فرسایش و حفاریها و همچنین نابودی گیاهان در جریان پاکسازی اطراف خط لوله تحت تأثیر قرار گیرد.

- ماهی آبهای جاری و محل‌های زیست ماهیها: فعالیتهای مربوط به خط لوله نظیر پاکسازی گیاهان و تغییر مسیر آب احتمالاً ظرفیت مولد محل‌های زیست ماهیها را متأثر خواهد ساخت، باعث مهاجرت ماهیها خواهد شد، سلامت آنها را در معرض خطر قرار خواهد داد و باعث مرگ و میر آنها خواهد شد.
- آب و آب شناسی: انفجار به منظور حفر و ساخت تونل ممکن است مسیر آبهای سطحی و نیز زیرزمینی و نیز شکل صخره‌ها را در معرض تغییر قرار دهد که این امر عامل بالقوه شستشوی اسید و فلزات خواهد بود.
- بخشهای زیست شناسی: منابع فسیلی، که برای شناخت علمی تکامل و تغییرات آب و هوایی مهم‌اند، ممکن است در معرض فعالیتهای مستقیم ساخت و ساز و همچنین جمع‌آوری کنندگان فسیل قرار گیرند؛ کسانی که به شکل روزافزونی دسترسی بیشتری به این گونه منابع پیدا می‌کنند.^{۸۵}

تهدیدهای محیط زیستی دیگری نظیر نشت و فوران گاز و دیگر حوادث را نیز نباید از نظر دور داشت که می‌توانند عامل انتشار گاز و پخش آن در جو زمین شوند.

تهدید شورشیان

تهدید ناشی از فعالیتهای تروریستی و دیگر عوامل، واقعی هستند. «اگرچه پروژه تاپی در تئوری بسیار جذاب به نظر می‌رسد، برخی چالشهای جدی را نیز نباید از نظر دور داشت که باید کشورهای دخیل بر آنها فایق آیند. حتا در صورت حمایت بین‌المللی و تأمین مالی پروژه، تضمین امنیت دشوار است. این پروژه در صورت بهبود امنیت در افغانستان و حاکمیت نظم و قانون در بلوچستان اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیک زیادی پیدا می‌کند»^{۸۶}.

مسیر کنونی خط لوله تاپی از چندین ولایت و منطقه ناامن از افغانستان و پاکستان می‌گذرد. ناآرامی در هرات، فراه، هلمند و قندهار مشهود است و همه روزه حملات منظمی در سراسر منطقه صورت گرفته است.

این خط لوله از مناطقی چون تورغندی، تیرپل، گذره، شینیلین، مردآورد، ادرسکن و شیندند هرات می‌گذرد که بسیاری از این نواحی در معرض ناآرامی قرار داشته‌اند. ستیزه‌جویان طالبان از طریق ولایات غور و فراه به هرات نفوذ کرده‌اند تا اردوی افغانستان و مقامات حکومتی را در این ولایت مورد حمله قرار دهند.

⁸⁵ Williams Tim, 'Pipeline: Environmental Considerations' Parliamentary information Research Service, Parliament of Canada July 5th 2012

⁸⁶ Bahar Adeela, 2014 "TAPI pipeline: A nexus for peace and stability" August 12th 2014 (Accessed November 12th 2014 <http://www.pakistantoday.com.pk/2014/08/02/comment/tapi-pipeline-a-nexus-for-peace-and-stability/>)

ولایت فراه نیز به شدت ناامن است. شورشگری در این ولایت نیرومند است و شورشیان به شیوه‌های متعددی توسل می‌جویند تا نه فقط نیروهای امنیتی بلکه نهادهای غیرنظامی حکومت و سازمانهای غیردولتی را نیز مورد حمله قرار دهند. امنیت این ولایت خوب نیست و نیروهای امنیتی به طور منظم مورد حمله قرار می‌گیرند.⁸⁷ براساس نقشه اولیه، ولسوالی بالابلوک مسیر عبور خط لوله تاپی است که در شرایط حاضر به شدت ناامن است. مهم است بدانیم که ولایت فراه با ایران هم‌مرز است، کشوری که پیشنهاد کرده گاز به پاکستان و حتا دورتر از آن به هند عرضه کند.

هلمند، سومین ولایتی که در مسیر عبور خط لوله تاپی قرار دارد، بسیار ناامن است و به عنوان یکی از پایگاههای طالبان شهرت دارد. این ولایت با پاکستان مرز مشترک دارد و شورشیان با قوای ائتلاف و نیروهای امنیتی افغانستان برای مدت‌های طولانی درگیر بوده و متحمل تلفات جدی شده‌اند. ولسوالیهای مارجه، موسی‌قلعه و سنگین شاهد خشونت‌های شدید بوده‌اند. هلمند همچنین به دلیل کشت کوکنار شناخته شده است و محل پرورس و فراوری قسمت عمده تریاک به هرویین به شمار می‌رود. سربازان بریتانیایی مستقر در هلمند ۴۵۳ تن تلفات دادند و مجموع تلفات نیروهای بین‌المللی ائتلاف از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ به ۹۵۲ تن می‌رسد.

قندهار آخرین ولایت افغانستان است که در مسیر عبور خط لوله تاپی قرار دارد. این ولایت از نظر تاریخی اهمیت استراتژیک داشته و رهبران بزرگ سیاسی به شمول رهبری طالبان از آنجایند. طالبان از قندهار برخاسته‌اند و از همین ولایت دست به جنگ و مناقشه زده‌اند. نیروهای آیساف در قندهار تا سال ۲۰۱۴ به تعداد ۵۵۵ تن تلفات دادند.⁸⁸ این ولایت شاهد حضور گسترده نیروهای آیساف بوده است.

شورشها و ناآرامیهای جاری در افغانستان و مناقشات قومی-ناسیونالیستی در بلوچستان تهدیدهای جدی برای خط لوله گاز تاپی هستند. مسیر این خط لوله از طریق جنوب افغانستان در معرض مخاطرات قرار دارد و شورشیان خط لوله را هدفی آسان خواهند یافت. ایرانیان هم از شورشیان وفادار به خود استفاده خواهند کرد که این خط لوله را تهدید کنند و این مخاطرات را هر سرمایه‌گذار چنین پروژه‌ای مورد ملاحظه قرار می‌دهد. رحیم الله یوسف‌زی سردبیر نشریه «نیوز اینترنشنال» و کارشناس دیدگاههای طالبان می‌گوید: «تاپی بیش از هر پروژه‌ای در منطقه به بحث گرفته شده و مورد انتظار بوده است، اما به دشواری می‌توان گفت که چه زمانی این هدف عملی خواهد شد و آیا اصولاً چنین هدفی جامه عمل خواهد پوشید یا نه. من بعضی اوقات می‌گویم این پروژه یک خط لوله خیالی است تا واقعی. افغانستان با توجه به شورشها در این کشور یک حلقه مفقوده در این پروژه است. ترکمنستان بیشتر از دیگر کشورها خواهان عملی شده این

⁸⁷ Foschini, Fabrizio, A War of Attrition in Farah Province, Afghan Analyst Network 2013 (accessed on November 5th 2014 <https://www.afghanistan-analysts.org/a-war-of-attrition-in-farah-province/>)

⁸⁸ <http://icasualties.org/oef/>

پروژه است، چرا که این کشور می‌خواهد بازارهای تازه‌ای برای ذخایر عظیم گاز خود بیابد و وابستگی خود را به روسیه کاهش دهد. صلح در افغانستان و منطقه مزایای زیادی دارد که تعهد نسبت به پروژه تاپی و تکمیل آن جزو همانهاست. در واقع، تاپی باید بخشی از هرگونه گفتگو با طالبان در آینده باشد، چرا که مزایای آن به مناطقی که طالبان در آنها حضور نیرومندتر دارند نیز می‌رسد. طالبان اگر مزایای این پروژه را درک کنند، انگیزه برای حمایت از آن پیدا خواهند کرد؛ ولو این که مصالحه سیاسی بین کابل و طالبان در حال حاضر محتمل به نظر نمی‌رسد.^{۸۹}

ناسیونالیستهای بلوچ شکایتهای تاریخی دارند و در گذشته داراییهای حکومتی را تهدید کرده‌اند. باید به این شکایتها از طریق سهم‌گیری سیاسی مردم پاسخ داده شود. سید فضل حیدر بر این باور است که «خط لوله از مناطق ناآرام بلوچستان، که با شورشگری نسبی مواجه است، عبور می‌کند. ناسیونالیستهای بلوچ برای حقوق مشروع اقتصادی خود منازعه سیاسی به راه انداخته‌اند، در حالی که برخی از گروههای جدایی طلب در حملات تروریستی علیه تأسیسات دولتی و نیروهای امنیتی دخیلی بوده‌اند. اما من تصور نمی‌کنم این امر بتواند بلوچهای ناراضی را وارد جریان اصلی ملی سازد. مقامات فدرال باید قدمهای جدی بردارند تا به شکایات مردم این ایالت رسیدگی کرده و به مردمان محلی امکان مالکیت بر منابع و پروژه‌های شان را، که از طریق بلوچستان اجرا و یا طراحی شده‌اند، بدهند. شورشگری و وضعیت شکننده امنیتی در بلوچستان همچنین تهدیدی را برای پروژه تاپی ایجاد کرده است»^{۹۰}.

^{۸۹} رحیم الله یوسفزی، سردبیر نشریه نیوز اینترنشنال (اخبار بین الملل)، مورخ ۵ جنوری ۲۰۱۵

^{۹۰} مصاحبه با سید فضل حیدر، ژورنالیست، تاریخ ۱ جنوری ۲۰۱۵.

ارزیابی

تاپی پروژه‌ای بلندپروازانه است که از پتانسیلی برای ایجاد محرک و مشوق به منظور هماهنگی برخوردار است. با این وصف، پیچیدگی وضعیت در منطقه‌ی واقع در بستر این پروژه، روند پیشرفت آن را بسیار کند کرده است. اگرچه کشورهای دخیل به پیشرفتهایی دست یافته‌اند، اما بازیگران آن در بازار انرژی آسیای مرکزی و بویژه بحرانهایی منطقه‌ای وضعیت دشواری برای تاپی به وجود آورده‌اند. روسیه، چین و ایران با توجه به نزدیکی و داشتن گاز و دیگر ذخایر، نفوذ عمده‌ای روی این پروژه دارند.

همچنین تهدیدهای فیزیکی جدی از ناحیه خط لوله گاز ایران-پاکستان، فقدان سرمایه و احتمال اختلال از سوی گروههای مسلح غیردولتی در منطقه متوجه پروژه تاپی است. رژیم تحت تحریم در ایران که با انزوای بین‌المللی روبروست، تلاش داشته از طریق پروژه‌های نفت و گاز با بازارهای منطقه‌ای همگرایی پیدا کند و از مدتها پیش ایجاد خط لوله‌ای را از خاک خود به سمت پاکستان تا هند با نرخ جذاب‌تری پیشنهاد کرده است. ایرانیان ممکن است دولتهای منطقه را تشویق کنند تا گاز این کشور را خریداری کرده و خط لوله گاز را از خاک آن عبور دهند.

شورشگری صریح‌تر و فوری‌تر از سایر موارد این خط لوله را تهدید می‌کند. گروههای متنوع شورشی و تندرو در منطقه مسیر تاپی فعالیت می‌کنند. میزان تندروی و ادامه جریان پول نقد به سمت شورشیان و افزایش شکاف میان ایران و سعودی بر سر مسئله عراق، یمن و سوریه جغرافیای سیاسی منطقه را بیشتر پیچیده کرده است. این وضعیت ممکن است بیشتر به استخدام جنگجویان و غارتگران در پوشش شورشیان منجر شود. تهدیدها برای این پروژه هم محلی و هم منطقه‌ای هستند. طالبان نیز ممکن است پروژه را تهدید کنند تا مانع کسب درآمد دولت از این پروژه شوند. اختلال در پروژه گاز تمام کشورهای دخیل را متأثر خواهد ساخت و بنابراین امنیت پروژه یک عامل مهم در محاسبه پروژه خواهد بود. این امر ممکن است کشورهای دخیل و تصمیم‌گیرندگان مالی را به شدت دچار محدودیت سازد.

یکی دیگر از موانع عمده بر سر راه اجرای پروژه تاپی تأمین منابع مالی برای ساخت خط لوله است. ساخت این خط لوله ممکن است نیازمند ۱۰ میلیارد دلار باشد. شرکتهای بزرگ انرژی می‌توانند سرمایه لازم را فراهم سازند، اما عدم امکان تصاحب تأسیسات گازی در ترکمنستان و مناقشات موجود در افغانستان و پاکستان ممکن است مانع از آن شود که چنین شرکتهایی قدم پیش بگذارند و در زمینه این پروژه سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین، اجرای تاپی تا حدود زیادی بستگی به تأمین مالی در مرحله ساخت دارد. چهار کشور دخیل، یک کنسرسیوم را برای اجرای سریع‌تر پروژه ایجاد کرده‌اند. افغانستان در این میان کشوری است که ممکن است نتواند قرضه لازم را برای این پروژه تأمین کند.

مسیر تاپی در افغانستان نیروهایی را در خود جای داده که ناامنی غیرقابل کنترلی را در بیش از یک دهه بعد از حضور بین المللی به وجود آورده‌اند. حکومت افغانستان صدماتی را متحمل شده چرا که اردو درگیر مناقشه با شورشیانی بوده که از سوی مردمان آسیب‌پذیر محلی حمایت شده‌اند. دولت در تلاش برای کسب حمایت توده‌های مردم بوده، در حالی که شورشیان نیز همین هدف را دنبال کرده‌اند. پروژه تاپی مشوقه‌های پایدارتری را هم برای حکومت و هم مردم ارائه می‌کند. حکومت می‌تواند حضور خود را در مناطق ورای محدوده کنونی گسترش دهد و به این ترتیب با مردمان این مناطق وارد تعامل شود، و مردم محل ممکن است گزینه‌های سازنده‌تری را در اجرای این پروژه ببینند و بتدریج وارد مجموعه‌ای شوند که در جستجوی صلح هستند. فعالیت خط لوله گاز تاپی مستلزم تشکیلات امنیتی عظیمی برای محافظت از آن است و این نیروها ممکن است از میان مردمان محلی گزینش شوند.

بلوچستان در مناقشه کشاری درگیر بوده که عمدتاً نومی‌دی پیرامون از مرکز تعریف شده است. موقعیت استراتژیک بلوچستان، اتصال آن به دریا و حضور چندین نوع منابع طبیعی موقعیت آن را بالا برده و توسعه آن میان تصمیم‌گیرندگان به طور بی‌سابقه‌ای اولویت یافته است. توسعه این ایالت، زیرساخت‌های آن، و بخشهای آموزشی و صحی ممکن است کلید تأمین آینده این ایالت باشد و آن را به مرکزی برای تجارت منطقه تبدیل کرده و فرصتهایی را برای پاسخ گفتن به شکایتهای بلوچها از طریق ارائه یک پارادایم و الگوی جدید فراهم آورد.

مجتمع‌های صنعتی بزرگتر پنجاب نیازمندی فوری به عرضه انرژی پایدار دارند و پروژه تاپی، گاز مورد نیاز را در زمان مناسب تأمین می‌کند. پنجاب سهم مهمی در تولید ناخالص ملی پاکستان دارد و بنابراین ممکن است به حجم بیشتری از گاز ضرورت پیدا کند. با این وصف، ایالات دیگر نظیر خیبر-پختونخواه و سند ممکن است در جستجوی سهم خود از گاز باشند چرا که از مناطق صنعتی و پتانسیل توسعه برخوردارند.

هند با پتانسیل بزرگتر رشد صنعتی برای تغذیه مناطق صنعتی خود نیازمند فوری به منابع پایدار انرژی است و می‌تواند سرمایه‌گذاری بیشتری جلب کند.

خط لوله تاپی از میان چهار کشوری عبور می‌کند که دهه‌هاست درگیر انواع گوناگون مناقشات بوده‌اند و تهدید اختلافات برای صلح به ورای مرزهای منطقه می‌رسد. با این وجود، پروژه تاپی فرصتهایی را برای سرمایه‌گذاری بیشتر بویژه در بخش معدن منطقه فراهم می‌سازد و این چیزی است که افغانستان به آن نیاز دارد و می‌تواند شانس صلح و ثبات را در این کشور بهبود بخشیده و اثرات مثبتی بر تمام منطقه بگذارد.

شرکتهای خط لوله که در جستجوی صلح هستند، به دلایلی قدم پیش نمی‌گذارند. مالکیت ذخایر گاز مسئله‌ای است که بیشتر سرمایه‌گذاران آن را به عنوان یک عامل مخاطره‌انگیز در محاسبات خود دخیل می‌کنند. با این وجود، سرمایه‌گذاران

چینی باتوجه به شرایط «سهل فرضه‌دهی» حکومت چین اهرم خوبی در اختیار دارند و بنابراین ممکن است تأسیسات گاز بیشتری را در ترکمنستان در اختیار بگیرند. از این رو تلاش آنها برای بردن گاز برای بقیه نقاط چین و هنگ کنگ تهدیدی برای خط لوله تاپی خواهد بود مگر این که بن بست موجود حل نشود. اگر چینیه‌ها بتوانند گاز بیشتری برای بازار خود از طریق خط لوله آسیای مرکزی-چین تأمین کنند و تحریمها علیه ایران برداشته شوند، پروژه تاپی زیر سنگینی ژئوپلیتیک منطقه جان خواهد داد. پاکستان ممکن است درصدد احیای خط لوله ایران-پاکستان برآید که این امر نارضایتی حکومت سعودی را به دنبال داشته و مناسبات بین پاکستان و سعودیه‌ها را دچار کشیدگی خواهد ساخت. ایران سرمایه-گذاران را جذب خواهد کرد و خواهد توانست گاز خود را از طریق شبکه وسیع خطوط لوله این کشور و دو خط لوله‌ای که گاز را از ترکمنستان انتقال می‌دهد، صادر کند.⁹¹ در نتیجه افغانستان از بازندگان اصلی خواهد بود و درآمد و شانس ثبات را از دست خواهد داد.

با این وصف، به نظر می‌رسد فضای حاکم بر نهادهای رسمی کشورهای دخیل تغییر کرده و عقلانیت جای احساسات را با هدف رشد اقتصادی گرفته است. همکاری به عنوان کلید امنیت منطقه‌ای در عرصه انرژی ترویج شده و این امر می‌تواند اثرات مثبتی بر امنیت داخلی هر کدام از این کشورها بگذارد. پروژه کاسا ۱۰۰۰ به منظور انتقال برق از آسیای مرکزی به بازارهای جنوب آسیا امضا شده و این امر نشان می‌دهد که مواضع کشورها در منطقه تغییر کرده است. خط لوله تاپی در قلب محیط امنیت انرژی سه کشور پایانی مسیر قرار دارد و از این رو فرصتی برای همگرایی منطقه فراهم می‌سازد. این خط لوله ممکن است انواع فرصتها را برای کشورهای دخیل از نظر همگرایی، توسعه و امنیت به همراه آورد. رییس جمهور غنی درک می‌کند که همگرایی منطقه از طریق خط لوله و تجارت به عنوان یک نیروی عمده می‌تواند سهم برد و باخت کشورها را در عرصه امنیت افزایش دهد و در تأمین صلح پایدار برای افغانستان که پتانسیل تمام منطقه رها می‌سازد، نقش داشته باشد.

⁹¹ Op-cit, The Geopolitics of Natural Gas.

نتیجه

در میان کشورهای دخیل درک مشترکی وجود دارد که باعث نگرانی نسبت به وضعیت نامساعد [انرژی] می‌شود و همین امر مستلزم بحث‌های دوجانبه و چندجانبه و نیز اعتمادسازی است تا پروژه تاپی به شکل موفقیت‌آمیزی اجرا و فعال شود. ژئوپلیتیک منطقه در اثر بحران اوکراین و مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران شکلی سیال به خود گرفته است. در چنین شرایطی، شانس برای آوردن انرژی برای منطقه تشنه انرژی در جنوب آسیا ممکن است از بین برود.

تشکیلات رسمی در هند و پاکستان نسبت به همگرایی راجع به خط لوله در مبداء نگاهی محتاطانه دارند. طراحان استراتژی هند تصور می‌کنند که همگرایی در قالب خط لوله اهرمی در اختیار پاکستان قرار خواهد داد تا از آن به عنوان یک وسیله چانه‌زنی در صورت ضرورت استفاده کند. علارغم این واقعیت که هماهنگیها برای پروژه تاپی تسریع می‌شود، با این وصف تأمین مالی پروژه و تفاوت دیدگاهها بین هند و پاکستان همچنان موضوع عمده نگرانی است. افغانستان کشوری بسیار فقیر و فاقد سیستم مالی دولتی برای تمویل این پروژه چندین میلیاردالری است. تشکیلات رسمی پاکستان درباره همگرایی در مبداء خط لوله نگران است چرا که افغانستان یک بازیگر دشمن تصور می‌شود که در صورت تحقق این پروژه شاید زیرتأثیر احساسات، جریان گاز را قطع کند. قابل درک است که این موارد رنگدانه‌های ترس را می‌کارد، اما با این وصف سیاستمداران تمام کشورهای مبداء مسیر به پروژه تاپی به عنوان فرصتی برای همگرایی منطقه می‌نگرند و این امر ممکن است صلح پایدار و اعتماد را میان بازیگرانی که سالها در ناسازگاری خشونت‌آمیز گرفتار بوده‌اند، به ارمغان آورد.

منطقه در حال حاضر از برخی رهبران بزرگ که دیدگاه روشنی دارند، برخوردار است. افغانستان تحت رهبری یکی از بهترین متفکران جهان است که اقتصاد همگرایی و اثرات سازنده آن بر پروژه‌های چند ملیتی مانند تاپی را در درازمدت درک می‌کند. رهبری پاکستان نیاز به انرژی را تشخیص می‌دهد و مایل است وارد شبکه‌ای برای آوردن انرژی به اقتصاد تشنه خود شود. نخست وزیر مودی به عنوان کارشناس توسعه، سرمایه‌گذاری در هند را امری کلیدی برای رشد پایدار اقتصادی، و انرژی را نیاز حیاتی هند می‌داند. رهبری، سیاست و برنامه‌ریزی تمام کشورهای دخیل، امری مطلوب و مورد حمایت بین‌المللی است.

مشوره، همکاری و تعامل می‌تواند این کشورها را از موضع سنتی آنها، که برخاسته از کمبود اعتماد است، به سمت مناسبات سودآور چندجانبه سوق دهد. این امر پاسخی به نگرانیها میان برخی از اعضا است که در قالب همگرایی ناشی از وابستگی متقابل با حریفان بروز می‌کند. پروژه تاپی منافع تجاری بین‌المللی را با توسل به دیدگاه ژئو-استراتژیک باز می‌گرداند؛ امری که می‌تواند بنیادی نیرومند برای احیای جاده ابریشم ایجاد کند و بازار اروپایی را به بازار بزرگ جنوب آسیا پیوند دهد.

